

جمهوری اسلامی ایران

زیرنظرشورای نویسندها

ارگان مرکزی حفاظت مطابقت ملی ایران

بهمن خجسته

معماي حمله سرنوشت ساز!

نمی دانند که حمله نهایی چگونه
حمله ای است، ولی می دانند که این
چگونه حمله ای نیست؛ به تعبیر آنان هر
حمله ای که شکست بخورد، سرنوشت ساز
نیست، پس حمله سرنوشت ساز آن حمله ای
است که به پیروزی نظر می ریزیم. تهران
بینجا می دهد. آیا چنین پیروزی از حیث
سیاسی، اندیشه ای واقعیت نداشته می باشد؟
اما کنیدراست؟ هیچ نظر بصری طرفی
وجود نداشته باشد. پرسش، پاسخ
مثبت دهد.

وقتی درجنگی پیروزی بدست آمدنی
نیست، دورا وجود دارد؛ راهنمایی
دست از مخا صمد کشیدن، آتش بس اعلام
کردن، با بذکر را گشودن و به قرارداد
ملحی عالاند دست یافتن است. خاصه
آن که حرفی با رها آما دگی خود را برای
این امراعلام کرده باشد. زمانی مساعد
برای واقعیت یافتن آن وجود داشته
باشد. این راهکاری است که در برآ بر
ملت خود تا حدی احساس مسئولیت می کند.
نمودهای آن نیز درست ریختندند.

باقیه در صفحه ۱۱

"حمله سرنوشت ساز" چنان که
ریزیم تهران از چند سال پیش اعلام می دارد،
چگونه حمله ای است و کی روی خواهد داد؟
حتی زمانداران جمهوری اسلامی نیز
نیست، پس حمله سرنوشت ساز آن حمله ای
است که به پیروزی نظر می ریزیم. تهران
بینجا می دهد. آیا چنین پیروزی از حیث
سیاسی، اندیشه ای واقعیت نداشته می باشد؟
اما کنیدراست؟ هیچ نظر بصری طرفی
وجود نداشته باشد. پرسش، پاسخ
مثبت دهد.

حمله "تا یم" در پایان هرسال میلادی، یک
تن را بعنوان "مرد سال" انتخاب می کند
و تصویربروی جلد وحدت از مصادر
آخوند شماره خود را در سال رو به انقضای،
اختصار می کند. این گزینش
چون با دقت و بی نظری صورت می گیرد،
اعتبار را همیتی پیدا کرده است و همسایه
در راه رسیده ای از خود را در میان میگذرد.
بنابراین این انتخاب این گزینش
آن را خردساز می کند. درین شرکت از
آن که خود را در میان میگذرد، این گزینش
چشم می دوزند تا بینندگان کسی عنوان
"مرد سال" را حراز کرده است.

باقیه در صفحه ۱۲

رقاص اعداء در بولجه

میرحسین موسوی نخست وزیر اسلامی در
گزارش لایحه بودجه به مجلس شورای اسلامی
از "شارژ نوین اقتصادی" سخن می گوید.
این شارژ نوین اقتصادی چیست؟ آیا
فصلی از رونق و شکوفا ئی در اقتصاد
جمهوری اسلامی آغاز شده است؟ نخست
وزیر اسلامی این را بصراحت نمی گوید،
ولی می کوشد بکار بردن الفاظ و بله
واشاره های مبهم آن را تفاکند.

باقیه در صفحه ۱۰

قتل عامدها هزار مسلمان

کربلا ۵

تعریض جدید جمهوری اسلامی زیر عروض
کربلا پنج، بینشیده شد. ۸ زانویه، از
شامگاه آغاز شد و به گفته ریزیم تهران، در
منطقه سی با تلاشی در بیست کیلومتری
جنوب بصره دامدیافت. باقیه در صفحه ۲

هادی پژاد

باز هم حکایتی از نفت و نفتی ها

که موافق دو حرفی (یعنی منتقدین در
خط حمله و رئیس جمهوری و گروهی از
مسئولان کاخ سفید، در خط دفاع و گواه
عقب نشینی) بحال خود باقی است.
انتظار عمومی این است که با تحقیقات
بیطرفا نهی "قاضی ابی شهر" و بررسیهای
که در جلسه ای جدید کنگره آغاز شده است،
سرانجام پرده ای زکل قضایا برداشته شود
و بلاتکلیفی و تشویشی که بر تماشی
اقتصادی و سیاسی کشور اشغال شده است
پایان گیرد.

باقیه در صفحه ۲

در زمینه معاشرات "پنهانی" میان تهران
و واشنگتن، هراندازه بحث و گشاد و
پرس و جویه دراز می کشد، خواهنا خواه
گوشهای تازه تری نیز از حوا داشت پشت
پرده بر ملامی شود، با اینهمه بسیاری از
رهبران کنگره و تحلیل گران سیاسی
معتقدند که ناگفته ها و نا شنیده ها، حتی
در زمینه های اساسی، با تازه ای است
که دستیا بی بدیک نتیجه گیری و داری
قطعی هنوز غیر ممکن است.
دراین میان تنها تصویر روش این است

یک روزنامه اسرائیلی:

دیدار پنهانی رفستجاتی با مقامات اسرائیلی

وزیر امور خارجه، فعلی اسرائیل و
"اسحق شمیر" نخست وزیر آن کشور در
روزهای اخیر چندیا را علام کرده اند
بنابراین از خود خواست آمریکا و به منظور
آزادی گروگانهای آمریکا شی پرای
فروش اسلحه جمهوری اسلامی کمک
کرده اند.

یک روزنامه معتبر اسرائیلی فاش کرد
که هاشمی رفستجاتی حدودی کسال پیش
مخفیانه می باشد مقامات اسرائیلی دیدار
کرده اند. به گزرا رش خبرگزاری فرانسه از
بیت المقدس روزنامه "داور" و بسته به
حزب کارگران اسرائیل در شما ره سورخ ۱۱
ژانویه نوشت: هاشمی رفستجاتی
رئیس مجلس شورای اسلامی در اوایل سال
۱۹۸۶ میلادی، یعنی حدودی کسال پیش،
بطور مخفیانه در لندن با "دا ویدکیم خه"
مدیر کل وقت وزارت امور خارجه اسرائیل
و "یعقوب نیمرودی" و بسته به
نظم اسرائیل در تهران و رای بر مک
فالین فرستاده رئیس جمهوری آمریکا
ملاقات کرد. "یعقوب نیمرودی" ده سال
اوست نظایری اسرائیل در بیان بودو
اکنون فروشندۀ اسلحه است.
به نوشته روزنامه "داور" در این دیدار
علی اکبر هاشمی رفستجاتی فهرستی
حا وی نام ۸ تن از مقامات نظایری و
غیر منتظر می جمهوری اسلامی را که طرفدار
نزدیکی با غرب مستند مخاطب طیان خود
ارائه داده اند، در این فهرست از جمله نام
احمد خیینی دیده می شود.
روزنامه "داور" می افزاید: "در پایان
این دیدار رکه در منزل شخصی "یعقوب
نیمرودی" انجا مگرفت، را بر مک
فالین، عضو شورای امنیت ملی امریکا
توصیه کرده اند تا طیان خود
از طریق فروش اسلحه، حفظ شود.
خبرگزاری فرانسه، یادا وری می کند:
برا اس مدارکی که روز جمعه گذشته
به وسیله کمیسیون اسرائیل و بیویه
امeriکا منتشر شد، اسرائیل و بیویه
شیمون پرز نخست وزیر کرده اند
به مقامات امریکا شی توییه کرده اند
که برای تحکیم موضعیت آن دسته از
مسئولان جمهوری اسلامی که طرفدار
غرب هستند، به ریزیم تهران اسلحه
فروخته شود. در حالی که شیمون پرز

ترکیه و متعصبان

دخلتران داشتند، اعتراض هایی از طرف
وا پس کرایان اسلامی انجام گرفت و از
سوی گروه های اسلامی افرادی حددود
پنجه هزار تلتگرام به دولت و رئیسی
جمهوری ارسل گردید. ولی ۵ نیز
اورن، در سخنرانی شهزاده خود
اش را ای به مسئله منع پوش روی
اسلامی نکرد، بلکه به تلاف و همکاری
کمونیست ها و وا پس کرایان اسلامی
تاخت و به فراخوانی اخیر حزب کارگران
کردستان اشاره کرد که طی آن
کمونیست های کرد برای داشت
ا هداف خود، از مذهبیون و ای پس کرده
دعوت به ایجاد آشوب و بیلوا در مساجد
کرده بودند.

باقیه در صفحه ۱۵

مناره در سطح بالا

چه گزی سپیل گریه را تراشید؟

در صفحه ۳

در صفحه ۳

باز هم حکایتی

آف نفت و نفتی ها

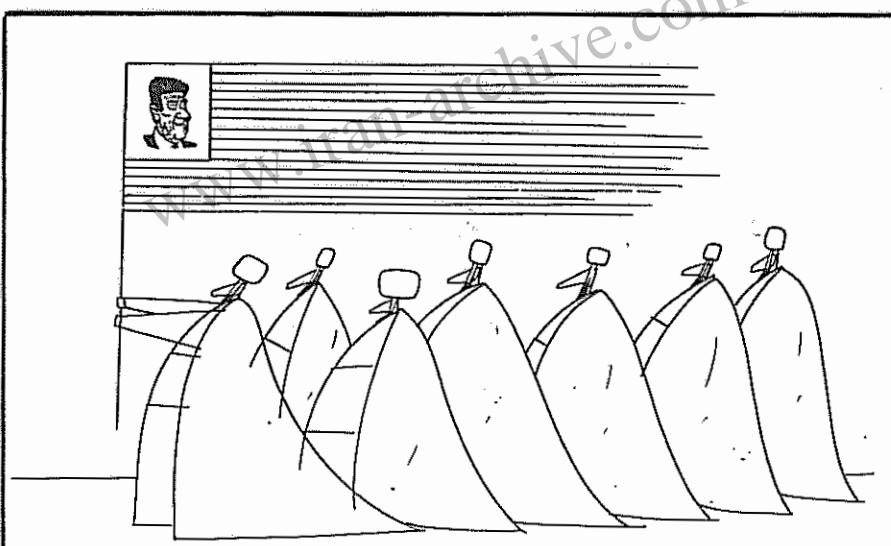
آثرا رسنگین سقوط شدیدبهای نفت، بر اوضاع اقتصادی ایران ظاهر میشود.
در آمدهای نفتی ایران از ۱۶ میلیارد دلار درسال ۸۵ به ۶ میلیار دلار درسال ۸۶ نزول میکند و بیان مدام آن بیکاری، مشکلات سیاسی و گسیختگی اقتصادی اوج میگیرد.

در ماهه، نمايندگان جمهوري اسلامي طی ملاقاتي با مك فارليين، ازوی ميخواهند تا امريکائيان ايران را نسبت به درياافت هاي بيشترها زمنافع نفتی ياري دهند و عربستان سعودي را به آيسن امر را ضي كشند. در دوم ماه ژوئن ملک فهد از نفت بشکه‌ای ۲۵ دلار سخن می‌گويد و روز بعد در گيس شركت نفتی شورن نظر مشابهی را مطرح می‌کند و جالب توجه است که آينده در شرائطي است که دولت ريجان بتکرارا صراحتاً رد "بهای نفت امريکا زجرياً با زارتبعيت خواهد كرد." - نظری که با آنچه گذشت به هم روي سازگار نيشست.

روتسشیلد در پایان مقاله‌ی خود به
سئوالاتی ازا بین دست روی می‌کندکه:
آیا دولت ریگان در ماههای بین فوریه
واوت ۱۹۸۵ دولت سعودی را بدکا هش
بهای نفت و آداشتها است؟

آیا ریگان و ملک فهد متفقاً "بها بین نظر رسیدند که جنگ بهای نفت ممکن است انتقاً مجوئی روئیم تهران را برانگیزد؟ آیا بهمین سبب نبود که کاخ سفید و وزارت امور خارجه امریکا، دفعاً از کشورهای خلیج فارس را در مقابل تهدیدات ایران بعدها گرفتند؟ آیا دولت ریگان در اتخاذ یک استراتژی نفتی با آرا مکو تبا دل نظر کرده است؟ آیا برگنا ری شیخ زکی یمانی ازو زارت نفت ونگاهداشتن وی در عربستان سعودی (پس از افشاء مذاکرات بامک فارلین) از بیم آن شبوده است که ممکن است شیخ در جائی از استراتژی "جنگ بهای نفت"

پرده برداره رد؟
رتشیلک که با ردگیریها خودتلویحا
بها ین پرسش ها پا سخ مثبت داده است ،
اضافه می کند : احتمال دارد کمیته های
بررسی وبا زجوشی کنگره در تما این
زمینه ها به بررسی بخشیدند و مسلمان "برای
روشن شدن موضوع می باشد جورج بوش
معاون رئیس جمهوری و شولتز وزیر خارجه
وبیکر وزیر خزانه دار و هرینگتون
وزیر امور خارجه و ما یکل دیور و استون
سابق کاخ سفید ، به باز زجوشی فراخوانده
شوندزیر آنها هستند که از چند و چند
سیاست های نفتی و تصمیمات عربستان
سعوی در جریان " جنگ قیمت نفت
بر خرد ایران و برای رامک در
جمهوری اسلامی اخبار بوده اند .



سعودی به افزایش تولید نفت خام تا
 میزان ۹ میلیون بشکه در روز خبر میدهد.
 یمانی (هر چند که بطور خصوصی با
 استراتژی جنگ قیمت ها موافق نیست)
 ضمن اظهارات خود اخطار می کند که بیان
 نفت (کم در آن زمان بالای ۲۵ دلار
 مشخص شده بود) تا ۱۸ دلار در هر بشکه
 پائین خواهد آمد.

در مارس ۸۶ گروه آرا مکو (مشتهر به
عالی سیاسی امریکا در منطقه) بسا
دریافت تخفیف‌های بسیار زدویلت
 سعودی تولیدات نفتی را با ۴ میلیون
 بشکه به ۶ میلیون بشکه در روز افزایش
 می‌دهد و بدین‌گونه بهای نفت خام به
 هر بشکه زیر ۱۵ دلار سقوط می‌کند.

با سقوط فوق العاده بهای نفست و
تنگنا های نفتی که گریباً نگیرجمهوری
اسلامی است، نگرانی عربستان سعودی را
اماکان حملات نظاً می رزیم تهران بالا
میگیرد. بهمین سبب ریگان، در ماه
آوریل جورج بوش را روانه منطقه میکند
تا سعودی ها را نسبت به کمک های
اقتصادی و تعهدات نظاً می امریکا دلگرم
سازد. ضمناً "ملک فهد" بوش در هذا کرات
دو ساعت و نیمه خودبه‌این نتیجه
میرسنده "با زارنفت با یاد استحکام
از دست داده خودرا بازیابد".

تاكشيکي " نيزتكىيە كرده است ونكتهى
مهمما ين است كەدرسرا سرا ين مولى
عوبستا ن سعودى پا بىپا ي آمريكا، بىسو
ك هدف راندە واجما لا" مقصود مشتركشان
ين بوده است كە جمهورى اسلامى را
وادا ركىننىتا زمۇانچ حادوروش هاي
تىها جمى خوددست بىردا رد.
رشيلد سپس بە دوئىۋال اسا سىميرسد
برىشى اول اين است كە: "آيا يىن
دولت رىگان بودكە دروتا بىستا ن سال ٨٥
دولت سعودى را تشويق و تقويت كردى تادر
محىھە " جىڭ قىمت ھا " جمهورى اسلامى را
زىدسترىسى بە مىليا ردها دلار منافع نفتى
محروم كىند؟ "

پرسش دوم:

بیهودگی را مطلق دو
شن از دست اندکار کاران اصلی ما جرا ،
” پویند کستر ” رئیس مستعفی شورای
امنیت وکلتل نورث غفوبرکتا روشهای
این شورا که گفته میشود، اگر بزیان
آیند بسیاری از گره ها گشوده خواهد شد
و همچنین وجود نبوه تنا قضا درادعا ها
و حتی شرح حوا دست که دقیقا ” مسداق
ضرب المثل عالمی نهی ما است که یکی
می رسید و دیگری پنهان می کند، در مجموع
سبب شده است که با زاردی سیاست و ابراز
نظرها آمیخته به ” احتمال ” و
پیش بینی و پیش داوری سخت رونق
بگیرد . برای نمونه چند هفتاهی است
که مبحثی جدید رباره دخالت
” نفتی ها ” مخصوصا ” درایجاد پسل
او棠اطی با رژیم تهران، توجه مفسرین
آمریکا بی را بخود جلب کرده است .

بگوگویا نشمرقا لهای درشمادهی ۲۸
دسا مبروزنا مهی وا شنگتن پست زیر
عنوان : " یک نظریه‌ی قابل بحث در
را بطهبا سعودی وا بیران و جرج بوش " به
قلم " ادوین - اس - رتسشیلد) تحلیلگر
برجسته‌ی مسائل سیاسی آغاز شد .
شویسنده‌کوش کرده است ، حضور سیاست‌ها
نمفتی را در جریان حوا دث آن هیجه‌ما هی
که به‌افشاء مذاکرات هیئت مک فا ولین در
تهران ، انجام میده است لحظه‌به لحظه
ردیا به کند .

روشیلید درا بتدا برسی، ضمن استناد به سخنان رونا لدریگان در پیا مسیزده شوا مبروی - مبنی بر "موقع خطیر" استرا تزییک و سهم نفت ایران در گردش اقتصاد جهان آزاد" و همچنین اظهار رات جرج بپوش معاون رئیس جمهوری در همین زمینه - به دو نگیزه توجه خود به اماکن دخلالت نفتی ها در حواله مورد بحث اشاره میکند، جورج بوش (که در گذشته با شرکت نفت تکزا نیز همکاری داشته است) روز سوم دسامبر در مجلسی این سوال را مطرح نمکند:

"منظور ما از گشودن یا ب ارتبا ط با رژیم تهران چیست؟" - خودجواب می دهد: " بدلیل تعا آن رشته هائی که شوروی را به کشورها نفت خیز حوزه هی خلیج فارس پیوند میزند.

وتسیل‌ساد معتقد است دیپلماسی ایالات
متّحدة در را بظهیرا ایران، از دیپلماسی
این کشور و منطقه خلیج فارس که
ذخایر عظیم نفت ارزان قیمت آن طی
بیش از نیم قرن موربد بمهربانی قرار
گرفته و به جهان آزادا در زیر شده، جدا شی
شا پذیرا است.

تحلیل گر آمریکا ئی میگوید، بنیاد این دیپلماسی براين اصل استوار است که "بهره برداری ازا این ذخائیر به سود اقتصاد امریکا و اروپای غربی و زان، بسی و قله ادا ممی باشد و طبعاً "رژیم هائی که این مقصود را تضمین میکنند سپری باقی بیما نشند".
روتسلیلد در اینجا به نکته‌ی جداگانه‌ای می‌پردازد و می‌ستکه "طی آن هیجده ماه، بنا بر شواهد روشنی، ایالات متحده در مقابله با رژیم خمینی، برنرفت نه تنها بعنوان یک "عامل استراتژیک" - بلکه در عین حال بصورت یک سلاح وسیله

منازعه در سطح باز

از گروههای اطلاعاتی نهضت مذاکره ملی ایران

یک جانشین دیگری برای خمینی باشد .
تفعیف موقعیت تندروها با عث شده که
خوئینی ها مجدداً "واردمیدان شود .
حجب اسلام خوئینی ها ، دادستان کل
کشور ، که معرفه های سیاسی اوطی یکی
دوساله اخیر مطلعها "با ناکامی و شکست
همراه بوده ، در صدد تدا رک معرفه تا زهی
برای تحریک احساسات مردم است .
دستگیری جندتن از افراد سرشناس ، از
جمله دکتر محمد مستوفی ، شوه
مستوفی الممالک صدراعظم معروف به
این شیعات بشدت دامن زده که
حجب اسلام چپ رونق داده باما حکمات
نمایشی شنور شرعا رهای تند و مردم فریب
را بنا نهادوا زاین طریق دوباره آب
رفته راهی جوی برگرداند . گفته می شود معرفه
جديد حجب اسلام خوئینی ها به نات محاکمه
زمیندا ران بزرگ صورت خواهد گرفت .
چون پدر بزرگ دکتر مستوفی
مستوفی الممالک ، زمانی ، در عید قاچاق رهی
ده و نک را خردی و آنجا را آبا دکرده بوده
است . از آنجا که معرفه های خوئینی ها طی
یکی دوساله اخیر بنا موفق بوده و بآ عث
بدنی می بیشتر رژیم خمینی بعنوان قاتل
شکنی وزیر بانهادن اصول مالکیت شده
ست ، معلوم نیست که اقدامات تبلیغاتی
و تا چه حد به نفع خمینی تماشود .

یک مانا ز عهد جدی تیز می کنند، یا اینهمه
تحولی که منجر به اعتمادیه نفس محافظه
کاران شده قابل اهمیت است. خودا ین
تحول نشان دهنده آنست که مردم نه تنها توجه علاقه
خود را به شارهای تند و توخالی که اساساً
اسباب بدیختی و سیه روزی آنها را فرا هم
آورده از دستداده اند، بلکه از
آنها بیزاره مگشته اند، به تبع بیزاری
مردم، آخوندها نیزگرا شیاهی خود را زیر
لغافه فقهه سنتی و حکماً سلامی آشکار
کرده اند. به همین دلیل است که خمینی
بدون آنکه شخصاً موضوع گیری کسرده
با شدویا به یکی از زد و جناح تما ایلی نشان
داده باشد عملاً به محافظه کاران در مرور
کوبیدن مهدی هاشمی و گروههای وتفکر
منتسب به آنها میدان عمل داده است.
محافظه کاران حتی یکبارا دستگیری
تعدادی از همکران و دوستان بهزاد بنبوی
به اتها ممنفجکردن نخست وزیری کوشیده
بودند تا آنها را گوشما لی بدهند، اما
با درمیانی شخص خمینی به آین نقشه
خاتمه داد. گرچه کوبیدن مهدی هاشمی
این پیا مدراء همداشت که منتظری را عمل
تبضعیف کرد. از قول آیت الله مشکینی
نقل میکنند که در محفلی گفته: "خود من
شخصاً استعفاً منتظری را به مجلس
خبرگان را شخوا همداد. حتی اگر این
سخن سرا پا جعل باشد، باز هم شان دهنده"
آنست که جمهوری اسلامی باشد در فکر

وچنان یا ت سیاسی خودمی گذاشتند. اعلام این نکته توسط ریشه‌بری، وزیر اطلاعات و امنیت رژیم که تعداً دقتلهای سیاسی مهدی‌ها شمشی بسی بیش از این است و به بیش از ۱۵ فقره سو میزند، تنما یشگر آنست که چنین توجیها تی قویاً "در میان اعضاً سپاه ریshedوا نده بوده و عملیات خشونت آمیز آنها را توجه میکرده است. حتی برنا مد ریزیها بی نیز صورت گرفته بودتا تعلیم ایدئولوژی-سیاسی کلیسه مسئولین آموزش شوراها فرماندهی سپاه سرا سرکشور در سیاست قم صورت پذیرد که زیرشغوف ذمیدی ها شمشی و هم‌فکرانش بود. احتمالاً شفود این گروه و گروههای جپ رو دیگر در سپاه پا سدا ران بودکه خمینی را برا آن داشت تا فعالیت اعضا سپاه پا سدا ران را در راه مورسیا سی بکلی منع اعلام کنند و آنها را از شرکت در درگیریها سیاسی بحرحدار آزاد نباشند. مسال رخ داد، تنما یشگر آنست که گروههای تندره، مستقلان" و خارج از حیطه قدرت دولت، میخواستند در عملیات بروند. مرزی شرکت کنند. طی سفرخیز یکصد چندان که در آنها مواد منفجره جاسازی شده بود از فرودگاه مهرآباد تا در تاریخیش شد تا وارد عربستان سعودی شود. از آنجا که امنیت، بازرسی و کنترل وسائل مسافرین با اعضاء سپاه است، خروج اینهمه مواد منفجره جزباً هم‌دستی پا سدا ران نمیتوانسته صورت گیرد.

به رحال، آنچه مسلم است اینست که گروههای جپ و منزوی شده و فاقد تشکیلات علمی که دیگر نعمی توanstه نتبددون پوشش مذهبی در شهادهای حساس و مراکزا جراحتی رخنده کنند، از طریق گروههای بیشما را اسلامی بیمه در صفحه ۱۵

کسی سپیل گرپہ را تراشید؟

از گروههای اطلاعاتی نهضت ملت و ملت ایران

مهدی کنی، عضوفقهای شورای نگهبان، طی نطقی در سال ۶۲ صراحتاً "گفت: " میگویند شورای نگهبان طرفدار سرما بهدا رهاست. من آن هفته که به همراه کلیه اعضا شورای نگهبان خدمت امام شرفیا ببودیم، عرض کردم آیا این مسایل را که ما در شورای نگهبان دو می کنیم، آیا غیرزا این است که فتوای شما اینگونه است (کذا)؟ مامیگوئیم اگر معدن در ملک شخصی باشد این مال آن شخص است. این مطلب در رساله ما مهمنوشه شده... عرض کردم خدمت امام یا شما این فتوا را از رساله خودتان بردا وید یا ما در شورای نگهبان نمی توانیم بگوئیم معدن در ملک شخصی مطلق مال دولت است. به ما اتها ممی زنندگه طرفدار سرما بهدا رهستیم. خدمت امام عرض کردم اگر طرفدا ری سرما بهدا ری اینست اول خودشما طرفدا رسما بهدا رهستید. "اکنون ورق برگشته. حافظه کاران و طرفدا ران اعمال فقهستی موفق شده ندکه به کمک ما جرای مهدی هاشمی فکرهای مخالف را به عنوان تفکرهای "التحقاطی" بکوبندو در آنها ردپای ما رکسیسم و کمونیسم را به نمایش بگذارند.

به نظرمی آید کمکه موافقات آن تندروها موقعیت تدافعی پیدا کرده است. سخنان هفته پیش سید محمد اصغری، سپرسنست موه سسه کیها نکدوتن از مشکلان جدید که تندروها با منحصرکردن "خط امام" به خودشا ندا، نندم. کوشندکه به این پوش

سئوالی که اکنون مطرح است اینست که جریان مهدی هاشمی و صرکهای تبلیغاتی که رژیم پیارامون آن برآمداد خندها را قعاً به سود چه کسانی وجه جریانها بیست آیا در پس این بگیر و ببندیده جنگ تدریجی را دارد؟ آیا برغم ادعای انکار رژیم، سفر پنهانی مقامات امریکایی به تهران و افشاء آن ازسوی عواطف منتظری، از جمله مهدی هاشمی، تاچه میزان برآین تسویه حساب سیاسی موه شربوده است. واژه همه سهمتر، در پی تضعیف و هتک حرمت آشکار از منتظری که هیچ ستایش تکلف آمیزی نتوانسته از نرا زائل کند و حتی خود این ستایشها تکلف آمیزتاً کید کننده ای چنین بی احترامی و تحقیر شخصیت است، مسئله رهبری، پس از مرگ خمبینی، چه سرنوشتی، خواهد داشت؟ آیا جریان منتظری، تکرا رست پادشاهی درایران و این با ردرجا مه روحانیت نیست، سنتی که همواره از "جانشین" متوجه شوده و همواره نیز خزم ازسوی "جانشین" خورده است؟

پاسخ دادن به این پرسش ها بدون درنظر گرفتن و برآورد کردن میزان تفسود و قابلیت عملیاتی گروه مهدی هاشمی متوجه شخواهی دیده بود. گفته میشود طی چند هفته اخیر بیش از ۵۰۰ نفر از همکران و همقدمان مهدی هاشمی در تهادهای مختلف، اعم از سپاه و حوزه دستگیر شده است. بسیاری متوازی شده اند. شناختن این اتفاقات آنست

آنکه تندروها با منحصرکردن "خط امام" به خودشا ندا، نندم. کوشندکه به این پوش

دیربایی انقلاب اسلامی از امریکا

بنایا به اینها رنگرها ماقا مات ا مریکا یی و کارشناسان ایرانی، پس از زدوما که از افشاری معا ملات سری جمهوری اسلامی در مورد خردید سلحه ازا مریکا می گذرد رژیم تهران سیاست تازه ای را در قبال ایالات متعدد آغا زکرده است و در عین حال ایالات می کوشد تا با استفاده ازا زین سیاست به نفع خود زاتا تحادشوروی امتیا بگیرد. به گزارش کی از تحلیل کران دولتی، انقلاب ایران دریا یا بن سال ۱۹۸۰ وارد مرحله تازه ای از مناسبت خودبا ایش قدرت ها شده است و تا ریخت نگاران، فروش اسلحه امریکا یی به ایران را به مثابه فعل تازه ای در سیاست رقم خواهندزد. اکنون دیگر در سنه های گروهی ایرانی از ایالات متعدد به گونه شیطان بزرگ یا دشمنی شود، ورهبران رژیم ایران از امریکا بیشتریه عنوان غول شکست خورده ای که سو نجا در بر ایران اهمیت و سرخستی حرف یعنی انقلاب ایران به زانور آمده است دمی زندند. مسئولان رژیم ایران که تحت لوای رهبری هاشمی رفسنجانی قرار دارند، همکی از سیاست خردید سلحه ازا مریکا دفاع می کنند و در عین حال خردید هرگونه اسلحه ای از اسرائیل را تکذیب می کنند. پرسنل رهبری ای ایران که تحت داده ای ایجادیک رمضان نی و دیگر تحلیل کران معتقدند که اینهمه به معنای آن نیست که ایران می کوشد تا به ایالات متعدد نزدیک شود، بلکه بر عکس می کوشد تا ازا زین فرستاده سودسیاست نهش قی نه غربی خود استفاده جوید که به معنای ایجادیک هیئت اسلامی قوی تحت رهبری ایران در برآ بردو قدرت بزرگ می باشد. در همین رابطه است که خیرا "در ایران از پر زیدت ریکان با مهربانی بیشتر با دمی شود، تا آنچه که رفسنجانی در سخنرا نی تما جمهود ۱۶ دسا مبرخود مردم امریکا را بخاطر آنکه زیشی مجهوری خود بشدت انتقاد کرده اند، سیاست آمده می سازد".

کارشناسان مسائل ایران در مورد شرکت تاء شیرا زین سیاست بررا بطری آن کشور با اتحادشوروی، معتقدند که ایران به این ترتیب با ریدیکر پس ازما جراحت گروگان نگیری سفرت امریکا در ۱۹۷۹- دوبار قدرت ایالات متعدد و اتحاد شوروی را در برآ برهم قرارداده است.

رفسنجانی در جریان مذاکرات با یک هیئت عالی رتبه ای این سر زنش ها، مذاکرات مزبور به اتفاق دیگر اینجا قضا دی شوروی که در ما گذشته انجام مگرفت، از اتحاد شوروی بخارک ها یعنی به عراق، چنگ با مهاجمان اسلامان افغانستان و نیز برداشت منعی آن کشور در مورد این خود اسلحة ازا مریکا توسط ایران به سختی انتقاد کرد و شیفتگی امریکا ثیان رادر مورد برقرازی روابط تازه دوستانه با ایران به آنان یاد آوری کرد.

علی رغم هماین سر زنش ها، مذاکرات مزبور به اتفاق دیگر اینجا قضا دی شوروی میان ایران و شوروی انجام میدکه بناما برآن اتحادشوروی با یید در موربد ایگانی، با نکداری، حمل و نقل، ایجاد صنایع فولاد، احداث نیروگاه های برق، صید ما هی و خانه های زی با ایران همکاری کند. در ماده ای دسا میگردشته به مناسبت هفت میان سال و رو دنیرو های شوروی به افغانستان در سنه های گروهی ایران تظاهرات خدشوروی گسترده ای انجام گرفت.

گاری سیک، کددرها ن کارتر در شوروی امنیت ملی امریکا به عنوان کارشناس مسائل ایران خدمت می کرد، در این مورد عقیده دارد که "رهبران ایران این اکنون بسیار زی هوشمندانه ای را میان دو بر قدرت آغا زکرده اند، در مورد اتحاد شوروی با دست پیش می کشند و با پا پیش می زندند. و در عین حال خفه کردن هرگونه مذاق اعتراض خردید سلحه ازا مریکا را به گونه نوعی استراتژی قاطع در پیش گرفته اند.

به عقیده کارشناسان امریکا ای این مورد مسائل اتحادشوروی، شوروی ها از ما جرای معا ملات اسلحه ایران و امریکا سخت حیرت کرده اند. وا زین رو تاکنون علامات و پیام های ضد و نقیض به ایران فرستاده اند.

شوروی:

اسلام زیرزمینی

این بسته ۲۳ کیلوگرم طلا بیسود.
تحقیقات بعدی از جریان تا جا ق طلا
که زکشورهای مسلمان و اردی شدوبه
صرف تاء مین هزینه های مجا هدین
افغان می رسید، پرده برداشت.
سعیداف و همکارش راجانوف (وزیر
سابق دا دکتری تاجیکستان) طلا را
از طریق بازگانان افغان بسته
جا هدین می رسانندند. این دو
دیپلمات به عقوبات تیربا ران گرفتار
آمدند. (ازلیپرا سیون، ۱۹۸۶)
با آنکه در این ماجرای ردپایی از
صوفی ها مشاهده نمی شود، ما خوداً زیک
جنینها سیونا لیستی - مذهبی در
جمهوری های آسیا مرکزی اتحاد
شوری خبرمی دهد.
مسافران همچنین شاهدقاً سرما آور
قرآن هایی بوده اند که توسط سازمانهای
مذهبی - دولتی افغان چاپ و میان
کتاب و جمهوری اسلامی روبدول می شوند.
قیمت این قرآن ها که در کتاب ۲۵ روبل
است در بازار اسپانیا شکنند سویه ۲۰۰۰
روبل می شود. فاچاق قرآن بدست
نظاریان شوروی انجام می گیرد که با
آنکه همچرا باطهای با اسلام و مسلمانی
ندازند اما عطش سیراب ناپذیر
مسلمانان شوروی به آثار مذهبی آگاهند.
مشکلاتی که راش شوروی از همان آغاز
ورود به افغانستان با سربازان مسلمان
افغانی داشته اند، برکسی پوشیده
نیست. اما آنچه کمتر کسی آزان خبر
دارد، مشکلاتی است که بهینگانه مدفون
سریان افغانی و هنگامی که مقامات
شوری می خواستند آنها را علی رغم
مخالفت خانواده ها شان درگورستانها
نمایند. بیخاک بسپارند، رخ داد.
جمعیت های صوفی تنها به ادبیات
زیرزمینی کفایت نکرده اند، بلکه
تاکنون مدها نعا خانه مخفی و نیز
مدا رس وعظ و سخنراشی بوجود آورده اند.
روحانیت دولتی (و نیز پلیس سیاسی)
زیارت اماکن مقدس در آسیا مرکزی
را که جانشین زیارت مکله شده بود ممنوع
کرده است. اما صوفی ها، با ردیگرانها را
زنده کرده و بر تعداد آنها افزوده اند،
تا آنچه که هر دارین مکان ها تا ده هزار
نفرگردی آیند.
علماییه کوریا چفت تها ثابت می کنند
زنگی سالمت آزمایش میان کره ایان
و اسلام مکان پذیرنیست.
لیبرا سیون - ۶ زانویه

جنش های مخالف شوروی هنوز نتوانسته بود ادبیات زیرزمینی خاص خود را بوجود آورد، اما آن پس مطبوعات شوروی گرچه با میلی تعداد از وجودشکه های زیرزمینی استنشار اتی و توزیع متون صوفیا نه پوشش چندین هزار نسخه های آن خبردا دهند. در سال ۱۹۷۳، عبدالله هیف، یکی از مشمولان ضد مذهب متوجه دست نوشه های زیرزمینی ای شد که در داستان (جمهوری خود مختاری شرقی) واقع بر سار حل خزر (پخش شده بود).

از آن پس تا کنون ادبیات زیرزمینی صوفی در تعداد م منطقه مسلمان نشین اتحاد شوروی از غرب تا شرق دریای خزر منتشر شده است. والبته برای پخش و تکثیر آن از فتوکوپی، تایپ، نوار رهای بخط صوت یا ویدئو نیز استفاده می شود.

در سال ۱۹۷۲ عبدالله هیف جزو عسوان کتاب که هم تاریخ تاء لیف آنها به قبل از سال ۱۹۱۷ برگشته و همنام شدن آثار شفوف برآ نهاده بود، چیزی در منطقه بددست نباورد. شیوه فعلیت هم مسلکان تنها زرا " پیام های اعلامیه واری بود که هوا داران و پیروان با دست آنها را تکثیر می کردند. وسیس برای ملاهای دولتی می فرستادند. در این اعلامیه ها ملاهای دولتی بخط اطمینانگاری با کفار لعن و نتفه شده بودند.

امروزه ماده معرفه عی کتابهای زیرزمینی از تجدید چاپ های قرآن و متون کهن معرفه تا کتابهای راکه بسا تبلیغات ضد اسلامی شوروی به جدل می برد از ندای جنگ در افغانستان را محکوم می سازند، در بر می گیرد.

به احتمال نزدیک به یقین صوفیان دوسوی مرز توستانه اند تماس ها و مبارداتی با یکدیگر برقرار رکنند. بخلافه به نوشت طبیعت شوروی آثا ری که توسط موگرده مجاہدین افغانی، یعنی "حزب اسلامی" و "جمعیت اسلامی" در پاکستان منتشر شده است، در جمهوری قرقیزستان دست بدست می گردید این مجموعه های نهاده افغانستان و نهاده پاکستان از مژده شترکی دارد.

جنگ کابل در میان مسلمانان شوروی نا آرامی هایی بوجود آورده است. بهار گذشته، ماء موران گمرک فروندگاه مسکو بسته ای پستی را که از عربستان سعودی به ناشی سعیداً ف دیپرسفات شوری و در کابل فرستاده شده بود، با ذکر دند. در

با آیت الله ها

رابطه میان جمهوری اسلامی و شیطان بزرگ ارزیابی شوند.

ما یکل آرما کوست که معاون سوم شولتز است، اخیراً "اظهارا داشته است": "همه ما اذعان داریم که در شرایط صحیح دامه تماس های بیشتر با جمهوری اسلامی مری است مظلوب".

در پاس به اظهار را تی که رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی در ملاعه امام و درنما زخمی بوده است، دولت امریکا نهادنگانی را به سفارت سوئیس در ایران که در رواج دفترنامه یندگی سفارت امریکا در این کشور نشانست، فرستاده است تا لحن جدی امام تاجرمایانه وزارت امور خارجه امریکا را که به دلیل وقوع ماجراهای ایران - گیت در کاخ سفیدی به شکل بدی قطع شده، از سرگیرند. فرانک کارلوچی، مشاور جدیداً منیست ملی، معا حشائی را با شرکت کارشناسان مسائل خاورمیانه در دوران ریاست جمهوری کا رتران گزیده است. موضوع مهم این معا حشائی است که امریکا با یید بخار طریزدیگری سوای فروش اسلحه در رازی از آزادی کروگانها به ایران تزدیک شود، بنظر این گروه، آزادکردن دا ایپی های ایران که از سال ۱۹۷۹ توسط امریکا مسدود شده است می تواند به این خوبی برای فتح یا ب مذاکرات با ایران باشد، در عین حال از منابع غیر رسمی غربی نیز شبايد غافل بود.

جنگ ویران ساز ایران با عراق بمنظور اب، کا، شناساً، خدیده گنه کلیداً ملی.

آنگونه که از عالمیه گوربا چف کسید ما ه
گذشته در تا شکنندتر شد، بر می آید
جمهوری های مسلمان اتحاد شوری های این کشور
گذشته بیش از دیگر جمهوری های این کشور
بدست حزب و دولت شا مل عملیات پاکسازی
ومی رزه با فساده بودند، احتمالا
دیگربا ریه سب سهل گیری و دارای بیش
از حدی که در را بطيه با اسلام روا داشته اند،
شر با تا را تعلیم گوربا هندا کرد: درا عالمیه گوربا چف آمده است: "...بر
ماست که بیویه با آن دسته زکمونیستها و
نمایندگان عالی رتبه دولت که بزبان
از آرمان های مدافع می کنند ما به
واقع نظریات واپس گرایانه را تشویق
می کنند و خود در مراسم مذهبی شرکت
می جویند سختگیرانه برخورد کنیم".
درا این خشم و خروش گوربا پف عليه اسلام
دونکته را می توان تشخصی داد: اول
آنکه کمونیست های عالی رتبه دولتی
در مراسم دینی اسلامی شرکت می کنند
مراسم ختنه سوران، ازدواج و مجالس
خت از مدت های پیش جزو اعمال معمول و
جاری قلمداد شده و این بخشی از
استراتژی تبدیل اسلام به یک جریان
فرهنگی بود.
نکته دوم آنکه مقامات دولتی هر چند
با اخ من و ترس و روحی امامه هواره این
آداب و مراسم را تحمل کرده اند. و اکنون
اعلاییه ۲۳ نوا میر گوربا پف اولین
فرخوانی است که به گونه دستور کار از
سوی دبیر کل حزب صادر می گردد.
خودا این عالمیه خبرنا ز وجود نویعی
پیشرفت می دهد، ما بیشتر فتی که بیشتر
به جنبش مسلمانان ناسیونالیست بر
می گردد تا بد سیاست یکی راه سازی
جمهوری های شوروی - که اعمال آن در
درا ز مدت کمال مطلوب رهبران اتحاد
شوری بوده است، مسکو، همان گونه که
در مورد کلیسا اورتodox عمل کرد،
روحانیت مسلمان را به خدمت گرفت و به
این ترتیب آن را از چشم پیرها نشیش
انداخت. امروزه رهبری اسلامی موجود
شوری جرا برای همدینان موفی اش
که به گونه زیرزمینی عمل می کنند،
حالی می کنند. از سوی دیگر جنگی
افغانستان نیز نقش قاطعی در این
 جدا بی داشته است.
بپرین کلید درک این پدیده را
می توان در کتاب صوفی و کھیس ر
نوشته المکا در بینگسن و شانتال
لومرسیه - کلک ڈی (انشایات
سوی، اکتبر ۱۹۸۶) یافت. این
تویستندگان پیش از این نیز کتاب
"مسلمانان قرا مش شده بی اسلام در
شوری" (انشایات ماسپرو، ۱۹۸۱) را
درا این باب نوشته اند. پیش رفت
تصوف را در ۵ سال فاصله بین انشای
این دو کتاب می توان بخوبی ملاحظه کرد.
تا اخ دهه ۱۹۷۰ هنوز قدرت هم مسلکان
جای سئوال بود. اسلام مانند دیگر

نماش‌های پیشتر با آیت‌الله‌ها

را باطه میان جمهوری اسلامی و شیطان
بزرگ ار زیابی شود.

ما یکل آرما کوست که معاون سوم‌شولتز
است، اخیراً "اظهاردا شنها است": "همه
ما اذاعان داریم که در شرایط صحیح‌دا مه
تحاس‌های بیشتریا جمهوری اسلامی مری
است مطلوب".

دریا سخ بهاظه راتی که رفسنجانی،
رشیس مجلس شورای اسلامی در ملاعه‌عام
و در نهضت جمیع برای درکرده است، دولت
امریکان نما یندگانی را به سفارت سوئیس
در ایران که در واقع دفتر نهادنی یندگانی
سفارت امریکا در این کشور است،
فرستاده است تا لحن جدی‌اما تاجرم‌بانه
وزارت امور خارجه امریکا را که به دلیل
وقوع ما جرای ایران - گیت در کاخ
سفیدیه شکل بدی قطع شده، از سرگیرند.
فرانک کارلوچی، مشا ورجیدا منیست
ملی، میان حثایتی را با شرکت کارشناسان
مسائل خاورمیانه در دوران ریاست
جمهوری کارتر آغاز کرده است. موضوع
مهم‌این میان حثایتی است که امریکا باید
بخاطر چیزی‌دیگری سوا فروش اسلحه
در ازای آزادی گروگانها به ایران
تنزدیک شود. بنظریین گروه، آزادکردن
دا رایی های ایران که از سال ۱۹۷۹
توسط امریکا مسدود شده است می‌تواند
بهانه خوبی برای فتح باب مذاکرات
با ایران باشد، در عین حال از منابع
غیر منتظری می‌شوند. بنزین‌باید غل بود.

جنگ ویران ساز ایران با عراق بمنظور
ایران کارشناسان خودیه گونه کلیداً مل-

دروخالیکه‌کنگره‌ام ریکا همچنان به بررسی
رسوایی ایران - گیت مشغول است،
سیاست پردازان دولت ریگان نیز آرام
آرام همان پرداشت آغاز زین خود را از
این ماجرا پیگیری می‌کنند. یعنی
آنکه بمنظراً نا اکنون زمان مناسب
برای تجدید رابطه با جمهوری اسلامی و
قراردادن آن دربرابر اتحاد شوروی فرا
رسیده است.

ما هیت رژیمی که پس از خمینی بر سر کار
خواهد مدھمچان موضع میان حثایت خود
است. تحلیل گران محاقطعه کارمندان
که مسکو پیشتر مزهای شمالی ایران را
مرا قبیت می‌کند و آمده است تا با ایجاد
پیک هرج و مرج عظیم رژیم مورد علاقه خود
را بر سر کار آورد.

نظیریه دیگری که از همه بیشتر موردنیتی
است، آنست که جمهوری اسلامی به حیات
خود داده خواهد داد، ما روابط عادی خود
را با غرب از سرخواه دیگرفت. هر چند که
این نظریه نیز آنکه بشه نقش
"میانه روها" در برداشتی غربی و غیر
مذهبی بهاده است، بمنظرا ده دلانه و
خاک می‌آید.

سلسله مقاالتی که در روزهای اخیر منتشر
شده‌اند، نقطه نظرها بی را که هفتاد خیز
دربر مودا توسط جورج شولتز وزیر مور
خارجه امریکا و همکارانش در وزارت خارجه
ایران ازدش، تقویت می‌کنند بدین معنی
که سخنرانی های سرزنش آمیزرو جوانیون
و سیاستمداران بر جسته ایران شاید
برگزنداء، مانع باء کشا شد، هاء،

برمکیان، خاندان رأسی و جوانمردی

فرهنگ ایران

محمد جعفر محجوب

ست روزگار مرده بودم و تومرا زنده کردی. من آنم که مکتوب مزقاً زنوبه عبدالهین مالک بردم. بیحیی گفت با توجه کرد؟ گفت: مرآ چندان چیزیداً دکه‌بی نیاز نداشتم و همه عطیه‌های او را اورده‌ام. به درخانه است و فرمان از نست. بیحیی گفت: کما روتپا من بهتر از کاری است که من با توکردم و تورا برمن منتی است بزرگ که دشمنی و خصوصی که می‌باشد من آن مردم‌محتش بودیم جدا قاست و موذت بدل شد. من نیز تورا چندان مال که عبدالله داده است بدhem...

داستان دوم: هارون چون جعفربرمکی را بکشت فرمود که هرگز از برای جعفرگریه کنندیا مرثیه‌گوید و را نیز بشکند... اتفاقاً "عربی با دیده‌نشین را عادت این بود که در هرسال قصیده‌ای در مرح جعفرگفت به زیارت او می‌آمد و هزار دینار را زیرا رصرف کرده با قصیده دیگر می‌آمد. سال آن هزار دینار را زیرا رصرف کرده با قصیده دیگر می‌آمد. در آن سال نیز به عادت معهود با قصیده بیاند. چون به بغداد رسید و جعفر را کشته بیاند به همان مکان که از داشت بودندیها مدواشترد. آن جای خواهان را نیز وسخ است بگیریست و قصیده را انشاد کرد (خوانند).

جعفربرمکی را در خواب دیده که دومی گوید و خود را به

تعجب آنداختی و قصیده‌ای وردی و مرآ گشته بیانی اکنون

به بصره ررو، واز مردی که قلن ناما ردو جویا شو، چون

بدوریس ایکوی جعفرتورا سلامی را شدومی گوید که هزار

دینار از اما را بقلا بده. اعرابی بیدار گشت. به سوی

بصره روان شدوان با زرگان را پرسید و بیان و گفته:

جعفر را بدورسا نید. آن با زرگان پیکریست و چنان

زدکه نزدیک شدروان از شتنش به درآید. پس از این را

گرا می‌یداشت و سه روزاً ورا مهمن کرد. پس از آن هزار

پا نمده دینار رسیده دوگفت: یک هزار دینار را به حکم

جعفردا دشی بود و بمناسبت را مددگری کرد و خود را

در هرسال مده شد از هزار دینار رسیده دنست. چون

آخریا ورا این سامان را شدیها وزیرها زمین بستن:

آن گاه بکوی با

با زرگان گفت: تورا به خدا سوکنندی دهمرا از حکایست

با قلا آگاهن. با زرگان گفت:

من در آغا زکاری نوا و پریشان حمال بودم. با قلا بخته

در کوچه‌های بغدادی مگردیم که را نیز دیده بودم.

بپرون رفته و در آن روزه هارسیده بوده تودا دم و تورا

در هرسال ایکوی جعفرتورا از شدن را مددگری کردند.

سبز این خصوصات آن بودکه ها رون بیدار للهدا آن ولایت

ستقرش. در این وقت یکی از مزدم عراق که از فضل و هنر بهره

کافی داشت و مردی دیگری بیشه ما بسیار رفاقت و بیضا عن

بیحیی و عبد الله میان مالک بود، توصیه‌ها مای خطا به

عبدالله زربان یحیی برساخت و بیهسوی وی سفروک و بیا

رنج بسیار رسیده داشت و بیهدا نه نیست، کزمین

فرخ و روی دهدنه زنده است و مکتوبی که آورده ام از

بیحیی میان خاله بودی ایشان است. عبد الله نیز

خود در بیان مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

آن گاه دیگری از بیان مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد و مکتبه شد

و مکتبه شد و مک

گیش شنایت

مشکلات روحی داشت آموزان هستیم. همین مسئول می افراشد: "فکر می کنم اگر دراین گونه مدارس در صدد این آموزان عادی باشند و در صدد از خانواده شهدا، بهتر باشد، زیرا دراین صورت فرزندان شهدا احساس جدا شی از جامعه نخواهند کرد." طبق همین گزارش: "یکی از خطوط ایجاد شده اند، تهذیب این آموزان را در آنچه داشتند آموزان درستی است، حال آنکه داشتند آموزان درستی هستند که احتیاج به نشاط و ترویج روحی دارند." یکی دیگر از مسئولان مدارس حتی حضور داشتند روانکاران و روانشناسان را در این مدارس توصیه می کنند. از مطبوعات زیرسانسوزنی که شهادت در ایدئولوژی آن، چنین نقشی ایفا می کنند، گزارش گویا تراز این دریاوه روی واقعی شهادت نمی توان خواندن که جدا افتادگی، ما تمدّی، پژمردگی و نیاز به روانکار و داشتن فقط گوشواری از آن است.

بزرگداشت

گروهی از ایرانیان مقیم شهریوبین در انتریش، بمنظور بزرگداشت سالروز شاهزاده‌مدی ماه آغازی و هفت روز نخست وزیری شاپور بختیار، به دعوت شهادت مقام و ملت ایران شاخه انتریش در محل خانه ایران شهریوبین حضوریا فتند. جلسه با این خانه انتریش سرودا ایران آغاز گیا و آقای بیمان غفعوکیت ایران (شاخ وین)، مدیر این طوفانی دی ماه ۱۳۵۷ و شما عت و دلیری شاپور بختیار رکه "بی پروا از نام و نیک تن به مسئولیتی خطیرداد" سخن گفت. سخنرا ن بعدی آقای توفیقی در زمینه اتحاد دنیروها ملی سخن رانی کرده و جلسه بزرگداشت که بیش از صدوسی تن از ایرانیان در آن شرکت داشتند با نو اخترن سروود ایران هرگز نخواهد مرد، پايان یافت.

مردم اصفهان بر جای نهاد. جمهوری اسلامی، سحرگاه یکشنبه، به تلافی بیماران شهرهای ایران، یک موشک زمین به زمین به سیوی پنهان شد. شلیک کرد که خبرگزاری فرانسه صدای اتفاق آن را مهیب توصیف کرد. عراق، پس از جنگ‌ها عت اعلام داشت که به تلافی شلیک موشک به بیگداد کهده‌ها کشته و زخمی دریک محله مسکونی به با را ورده است، شهرم را بیماران کرده است. جمهوری اسلامی، خبری‌بیماران قم را منشترکرد، تنها گفت که هوا پیماهی عراقی، حیرم هوایی شهرهای قم ملایم واراک را شکسته‌اند. یکشنبه ۱۱ زانویه زمین به گفتگه‌جمهوری اسلامی یک موشک زمین به زمین عراقی ایلام را هدف قرار داد و ضمن این‌ها بیست و یک هزار شهادت داشتند از مردم ایلام را به قتل رساند. درگیری‌ود رنجگ شهرها، ساعت‌های پیش از ۱۱ زانویه، نیمه شب یکشنبه و ساعت‌یا زده‌ای پیش از ۱۰ زانویه، رادیوی روحی اسلامی، به عنوان پیش‌بینی حمله‌ها بی عراق، اعلام وضعیت قرمز کرده، هربارا رته‌سراز از این موارد، حمله‌های مسکونی ازگرفت.

جنگ از دست داده‌اند، تهذیب از حیث روحی مقدمه‌ای شورده‌اند، بلکه با روحیه‌ای شاد ترویج‌ترین انجام است، حال آنکه داشتند آموزان درستی هستند که احتیاج به نشاط و ترویج روحی دارند.

روزنامه‌های معاصره شده که (در شما ره ۷ دی ۱۳۶۵) درگزارشی درباره این مدارس، درست در خط تبلیغاتی روحی حرکت می کنند: می‌نویسد: "اعتساد

آنان نیز دراین دنیا زندگی گلگوئی دارند.

سردمداران روحی، برای آنکه نگاه همای روحیه که مترتبه زندگی واقعی با زمان‌گان نشستگان در جنگ یا اسiran و مسلولین و ناپدیدشده‌گان بی‌گفت، می‌کوشند میان با زمان‌گان و بقیه، جامعه‌ها یلی "عبور

دراید شولوژی رسمی رژیم تهران، شهادت بهظا هر مرتبه‌ای بلنددازد، آیت الله خمینی با رهای گفته است که "استقلال و آزادی جمهوری اسلامی" خود را می‌بینند خون شهیدان خویش است، بیدلولوژی رسمی رژیم چنین و انسودمی کنند که شهادت را اصولاً "از جنبه" معنوی آن می‌نگرد و بزرگ می‌دارد، ولی در واقع شهادت نیز در جمهوری اسلامی، ما نندمه بجهیزیگر، دارای کاربرد عملی سیاستی است، و شهادت ما نندهران مرا می‌باشد رگرا نه دیگری، هرقدرت که کاربرد سیاسی بیشتری پیدا کند، به همان اندازه‌ای معنویت دور می‌گردد.

شهادت در وله نخست در خدمت آئین پرستانش جنگ است که رژیم تهران بقای خود را بدان وابسته کرده است، ولی فقط برای داشتن روحیه، جنگی نیست که نگاه‌ها شتن و روحیه، جنگی ارجی‌ظاہری شهادت را در جمهوری اسلامی ارجی‌ظاہری نمی‌نهند، خون شهیدان برای سرکوب مخالفان سیاسی، برای تحمل پوشش اسلامی، برای متحرک نگاه‌ها شتن گردونه، سرکوب واختناق نیز آنقدر مکرر بکار می‌رود که کراحت آورو مبتذل شده است.

رژیم تهران روحیه، شهادت کاذب را فقط از آن‌رو رواج نمی‌دهد که جوانان افسونزده را هزا رهزا ربه میدان جنگ

بفرستد و با رصفت آدمخواری خویش را داغ نگاه داد. بلکه از آن برای

مکیدن شرود مادی کشور نیز استفاده می‌کند: بنیاد دشید، به شکر نه جنگی که ملت را فقیر و فقیرتر می‌کند، امروز

یکی از شرور ترین نهادهای انتقالی در کشور است.

نه تنها از بودجه دولت کمک می‌گیرد، بلکه شکه‌ای از ازواجها تجارتی،

صنعتی و کشاورزی ماده در شده، مدام بنیه، مالی آن را تقویت می‌کند.

از کیش دروغین شهادت باید مدام پاسدا ری کشندتا جنگ مسلمان بسا

مسلمان، این ستوان اصلی اسلام راستین خوبی، همچنان ادا می‌بند. نه

تنها و نمودمی کشند که شهیدان فیسبیل الله، همانکنون، معاف از

که داشتند، در منطقه نیرد هزاره، می‌گردند این مدارس از مدرسه‌های همگانی، امکانات آموزشی و رفاهی بیشتری در

اختیار فرزندان قربانیان جنگ بگذاشت، ولی این جدا شی در واقع هیچ

امتیاز آموزشی یا رفاهی خاصی برای این داش آموزان نیاورد است.

پس این جدا شی برای چیست؟ برای این است که داشتند، همچنان شهیدان

فیسبیل الله، همانکنون، معاف از که بدروغ بودند شهادت بگردند. هم‌زمان با

گذاشت در بیرون روز محشر، بیل صراط را بست سر و نوچوا نهاد که بیشتر پدران خود را در

معصومان دماس زند، بلکه با زمان‌گان

قتل عام دهها هزار مسلمان

کربلا ۵

بیانیه از صفحه ۱

جمهوری اسلامی آمده بود که نیروها بیش از پیش روی در چندین محور ادامه دهند و موفق شده اند خط ارتباط سیاسی

سوم و هفتم را تشخیص دهند و مطلع شوند و پرتابه شدند. هم‌زمان

دو گردان کربلا - پنج را آغاز کنند. ایرانی دو گردان که شرکت کردند از این‌ها

ایرانی ۱۲ زانویه رژیم تهران اعلام کردند که شرکت کردند از این‌ها

بیانیه‌های نظامی ایران و عراق تباشند و دو تیپیکشند که شرکت کردند از این‌ها

بیانیه‌های نظامی ایران و عراق تباشند و دو تیپیکشند که شرکت کردند از این‌ها

بیانیه‌های نظامی ایران و عراق تباشند و دو تیپیکشند که شرکت کردند از این‌ها

بیانیه‌های نظامی ایران و عراق تباشند و دو تیپیکشند که شرکت کردند از این‌ها

بیانیه‌های نظامی ایران و عراق تباشند و دو تیپیکشند که شرکت کردند از این‌ها

بیانیه‌های نظامی ایران و عراق تباشند و دو تیپیکشند که شرکت کردند از این‌ها

بیانیه‌های نظامی ایران و عراق تباشند و دو تیپیکشند که شرکت کردند از این‌ها

بیانیه‌های نظامی ایران و عراق تباشند و دو تیپیکشند که شرکت کردند از این‌ها

بیانیه‌های نظامی ایران و عراق تباشند و دو تیپیکشند که شرکت کردند از این‌ها

لوما تن، جا ب پاریس، نوشت: بازدید و اشتنگن، شیوه‌ای ایرانی در تعریض کربلا - پنج در چنگان موقعيتی قرار دارد.

کرفته‌اند که خبرگزاری فرانسه صدای اتفاق آن را مهیب توصیف کرد. عراق، پس از جنگ‌ها عت اعلام داشت که به تلافی

شکستی مشابه شکست کربلا - چهار رخواه ای انجام دیده که ۲۵ هزار کشته و زخمی بر جای نهاد.

گزارش از قول مسئول یک‌این واحدها است.

آموزشی می‌گوید: "نژدیک به ۹۵ درصد

دانش آموزان این مدرسه‌ها زخ‌نواهه شده‌اند، به همین دلیل ما شاهد

لورما تن، جا ب پاریس، نوشت: بازدید

و اشتنگن، شیوه‌ای ایرانی در تعریض کربلا - پنج در چنگان موقعيتی

کرفته‌اند که خبرگزاری فرانسیس

سوئیس و سوئیسیان پنچانگون، وزارت دفاع

ایرانی، این تعریض بریگزیت کردند. هم‌زمان

با کاسا زی آخرين با زمانه‌هاي تبر و خوار

شناخته شدند که شرکت کردند از این‌ها

کردند که شرکت کردند از این‌ها

دیدار حبیب

وبلاد غربت

بعضی وقت‌ها حس می‌کنم که هوا خنک و پاک‌ای بین جابرای رسیدن به رهیه‌های ایرانی من خیلی چیزها کمدا درد، بیاده درخیا بیان راه مصروف، در خیابان شاهنشانی رسید، دراین جابرایستی برف‌امان نمی‌دهد و همه سردگرگی‌بیان اندزاوای سرد خود روپرده‌اند وای... غربت، چقدار سخت و کشنده است. انجا همین دیروز بود که رشته‌های رسیدپریبا ابر روز چشم‌اندازانه‌مان میشدند و قتی پرده‌های در آغاز همی لمیدند و هوا آشناشی بود که دوستش می‌داشت بیوی گازوئیل و بیوی لجن بسته‌آب همه را که متن آن همه‌دوست داشتم و حلا دردی است غربت.

حتی بچه ها حوصله بازی کردن را هم ندانندو ازبیکاری مرتب خمیازه می کشد آیا آدمهای آن طرف بگوئید چرا؟ آیا سزا دوست داشتن دریای خزر و کوههای لیرز و چوی آب خیابان این است؟ آیا باید کاری می کردیدتا باشی باشی مخفیانه ز شهرمان را نشده می شدیم و به این سرمه کده خالقی با آدمهای زرد و آشنا می آمدیم چرا؟ برای خدا بس کنید، خدا شی که میگوئید در عما مه ملایان یا فتنهای دیدوان را وزانه هزاران با راستفا شه می کنید، بگذازید برگردیم، ما در این جا غم بی کسی را هر روز می خوریم و پای پنجه های مشرف به خیابان بر فرش زده سپیدا شک می زیزیم تا کشیده ایشان را پارسی بهنا ممارا بخوانند و بگوید: سلام هوطن ۰۰۰ ولی تا آن جا که چشمکارمی کند غریبی است و سلام های بیگانه نه، منمی خواهم برگردم، به شهری برگردم که من اینه من شناساند، شهری که اولین خنده های کودکانه را بر لیان من پیووند زدوا ولین گریه های عاشقانه را یادمن داد، می خواهیم برگردم و روی پشت با م خانه های نایست و فریا دیزنمای قله دما ونددوست دارم، ای دریا ای خورترابا تمام ما هی های هایت می خواهه های سوسکهای تشهوای درشت که هنوز از شما می ترسم، دلمبرایتان بیاری هم تان تنگ شده است من می خواهیم به شهری برگردم که کوچه های بش را مثل کف دستم می شناسم و می توانم چشم بسته از اول تا آخر وسیم، شهری که اکنون گورستان نیش ماء من تمام گلهای بازندههای ماست و آنها که در دارای اسلام حتی سلام را هم از ما گرفتند و با عث شدن آنقدر در ما شده شویم که شب از خواب برخیزیم و برای ایران، ایرانی که از دست رفت و کوچه های که دارد کمک فرا می شود می شود گرچه کنیم، آی آدمهای بس کنید، ایران ایرانستان شد آن را به حال خودش و ان همید و بارداری که برسزیان و مردان را پارسی نهاد دید مسلح شوید و به اعدا م یک نفر برخیزید، آن کس که تمام ایران زیر پا های ظالمش خاک شد و درهم شکست اورا به چهار چوب قضاوت بپرید و بپرسید: ای جلال آیا آنها با یدنگاههای نامردانه غربت را بپذیرند چون تو می خواهی تا ایدیما نی؟ پیاز بپرسید: به کجا مقطره اش که نوازش میدهی و می نشینی تا دردی ریشه کن شو خودا غی از دامان مادری پاک شود؟ اورا به چهار چوب بکشید و بینید که آن جا فرمایان میدهد تا گلی نورس را قربانی کنندتا اوبا ز هم بخاند و خیابان را نشونز بشه پایان شو و قصه دردمن هشوز بشه که تنها شی ام را بچه های تنها تسرم تسبیح کنم و در گوششان بخوانم که ایران حال ماست با یددوستش بدآریم، با یدبای نظره چکان این برادر گوششان بچکا نم، آخرا نهای هنوز بچه هستند.

رادیو محلی نهضت - واشنگتن

رادیوی پر ان - رادیوی محلی
نهض مقاومت ملی ایران ساخته
و اسکنگن - ویرجینا - مریلند
پکنیک ها - از ساعت ۱۵ تا ۱۷
با مدار روی موج متوسط ۱۴۵۰
رادیو W.O.I

که درخاکش بوقوع می پیوندد بطور مطلق
از خواسته های ابرقدرت ها بدنداده
تلخی واقعیت اینستگه در دنیا شی که
کشورها بی نظر ما هنوزا زنتر قدر تنظامی
تکنولوژی، علمی و... فاصله ای
عظیم با قدرت ها رند، همچنانکه
شاهدیم، این واقعیت تلخ هر روز و هر
لحظه درهمه کشورها بجهان سوم بوقوع
می پیوندد و هر چقدر مکه من و شما بخواهیم
آشنا نکاری از ظاهر کنیم، این واقعیت
اعوض سدنی نیست، و دیگر برداشت شما از
نوشته های "ها بیز" است و ایمان به
اینکه اوران یعنی کتاب تمام حقایق را
گفته است و این کهماء موریت او براستی
"ابلاغ حجایت امریکا از دولت و سران
ارتش آیران" بوده است. زیرا چنانکه
اگذون مسلم شده امریکا و شخص کارت
هرگز عملایا چنین قصدی نداشتند و چه
چیز بیشتر و بمهتر از زکلام صریح کارت که
ما از شاه ایران حمایت می کنیم
توانست احساسات مردم را علیه او
پردازی کنیزد؟ شما بیگوئید هایرز "بطنه"
گفته است: "کویی خمینی درخواست
امریکا دست به انقلاب زده است". البته
لحن طعنده میز آقای های بیز در این
مورده هیچ تعجب نگذینیست، اما جای تعجب،
برداشت شما است که چنین صعیانه و
به سادگی تفسیر ایشان را از وقوایع آن
روزها بصورت واقعیت پذیرفته باشید.
خبر خمینی درخواست از خاک امریکا دست به انقلاب
نژد، اما بسادگی از خاک امریکا دست
به انقلاب زد، اینکه دیگر داستان
کهنه ای است. اگر خمینی شخصاً "DRAMERIKA
شبود، "سرخ" که در آنجا بودیدون ینکه
بخواهیم از دنار یعنی خاک ایران را
تردیدنا پذیرسا برکشورها قدر تمند
از جمله انگلیس داشته باشیم. جمای
دیگر گفته اید: "سران ارتش از خن -
بر اکنی های سی سی بی سی خشت
ترسیده اند" نمی دانم شما در آن روزها
درا ایران بودیدیا خیر، چون اگر
بوده اید با یخدخوب بیان داد شده باشید که
برنامه هایی که در دنگه کویی این رسانه
حتی شعارها عملایا و صریحاً "از طرف
بی بی سی رهبری می شد و مردم در
آن روزها از "خن بیان کنی" های سی سی بی
سی بگوشه ای استقبال و همراهی
همکاری می کردند که کویی این رسانه
چیزی نبود جزا بلغم آیه های "قرآن
خمینی". و این درحالی بود که بسیار ری
از مردم کوچکترین شناختی از شخص
خمینی نداشتند و این حقیقتی است
که نگارنده با کمال در دوست اسف شخنا
شاهدش بود. نمی خواهیم ودلیلی هم
نمی بینیم که از سران ارتش آن زمان
جانبداری کرده باشیم اما چشم بسر هم
گذاشتن بروی واقعیات و حقایق
ملموس و اضطراری که در آن زمان مسئولان
کشور بطور غیرمنتظره در پراپریشن قرار
گرفتند، شهنشا بی انصافی است بلکه
با علت خواهد شد که ما ایرانیان، با زهم،
اگرنه عیناً "همان اشتباهات، اماماً
اشتباهات دیگری را در شرایط مشابه
مرتكب شویم - چنان نکره در حال حاضر
می شویم. و این همه که از هادران روزها
بعنوان "شاه" که دوپا یعنی را دریک گش
کرده و می خواهد کشور را را شرک کند" یاد
کنیم با زهم متأنی سفنه بی انصافی
بزرگی است و این گفته با زمزمه متقاعد
می کنند که در آن روزها شما در ایران بودیداهید.
زیرا اگر بودیدم دیدید که استادن در
برابر مردمی که احسا ساتشان تا حدی
بسیار غیر منطقی وغیرقا بل کنترل
تحریک شده بود، یک جنایت، یک فاجعه
بود. شما حتی "پیرانی را که حقیقت از در
برابر رفتند شودند دیدند که افتخار و خیزان
در خیابان های فربیادی کشیدند که شاه را
نمی خواهیم، اوبیدی و ندان مسلمان
آنها در مقابل "خدا" ایستاده بودند و باز
بدلیل همان بیطوفی که در این نامه
با رهای آن اشاره کردند بود اینکه
بخواهیم "شاه" را بیدون چون وجراتایید
کنیم با یقیقی کنیم که مانندن شاه در کشور
بمنزله، رویا رویی مستقیم او با مردم
و خلق فاجعه ای بود که نه تنها رژیم، بلکه
کشور را هم به هیچ عنوان نجات نمی داد،
وعوا ملی که منحریه رسیدن به این
مرحله شده همان روكه اشاره شدیسیار
زیاده تر و مهمتر از آن، بسیار ریچیجیده تراز
داوری های عجولانه و ساده اندیشی های
ماست...

جانب تمام با فرمیتی از سایرها و موضعهای جوانسیدگان
گواهی می‌فقط سایر منشکی‌گردان طبریات و عقاید و
سردادستهای خصی نویسیدگان نامه‌هایست و لزوماً
نه ممای موقوف و همراهی ارگان مرکزی تیپست مقاومت
از اینجا می‌نماید، این نوشته‌ها هستند:
ای ایران نامه‌ها ثنا فاماً می‌نکنم نام و نشان
از نویسیدگان نامه‌ها شناخته شده‌اند و در مورثیکه
خود را ذکر کنند و در مرور تیکه شنخواهند نامشان جاب
شود ساده و روشنود نام نشان محدود نمایند.
افزون سراین، از جاگ نامه‌هایی که در آن هاست
به اخلاقی و گروهیها هشتگ حرمت شود و بار غلطست و
سوزگروا ری قلم ملحوظ نگردد، مذکوریم.
انتخاب عنوان نامه‌ها از ماست.

بیان خبر

ایضاً ۵۵ سال قبل کسانی که به مدرسه بهشت آئین اصفهان می رفتند میدانند که خانمی بنا "میس ال" که از معلم‌های آن مدرسه بود روزهای تعطیل صبح بسیار زودگی به پایا کرده و بروستاهای اطراف اصفهان می رفت و شب هنگام بسا پروپای رخمنی با زمینگشت و هفت‌به بعد تکرا رهان برنا مه ماین خانم فارسی میدان نست و با پرسبردن در بین روستاها از تما عطا بدوستن و باوردا شت های دینی آنها با خبرمی شد. ایشان بعد از بجرم جا سوی تحت تعقیب دولت ایران قرار گرفت و دوستان ایران ایشان را فرا ردا دند. را دودون‌خوشیم تسلار "رودکی" معروف خودمان را که مربوط به سالهای اخیر است حتی "بخاطر دارید. در این تالارها زگنهای برنا مدها بی تحت عنوان "رقص های فولکوریک ایران" تنظیم کننده پروفسور د. انگلیسی "برگزاری شد". مسلماً "برای مطالعه در رقص های فولکوریک" با یاد مدتی در بین صد و روستایان و عشا پرسبرد (البته بخارج خود دولت ایران) مثل اینکه هنرمندان خودمان دورا زجان شما چلاق بودند. پروفسور مذکور در این برنا مدها رقص هایی یافتند که بعثتی بهتر از رقص بجهاده در جشن های تولدی عروسی ها (بالباس های متتنوع به تمامی جیان ایرانی و کلی اطلاعات مفید در موردی دین و آداب و رسوم و باورها شد های اکثریت مردم به مقامات مرتبه عرضه میداشت. خوب معلوم است که حضرات در موقع مناسب از اطلاعات دقیق بدست آمده توسعه اشخاص مطلع استفاده کرده و هنوز نیز مشغولند. با قی بقایت - یک ایرانی

باعظ اسلام اشاره ایداره نوشتہ ۸ دسا میسر روزنامه اکوشومیست لندن "شکست در ماما" موریت درباره کتاب هویت "قیام ایران ۲۷ آذرماه" مطالب روزنامه مزبور نه تنها درباره آقای هویزرو بقیه امریکائی ها شیکه خود را کاوشنا سا مورا ایران می دانستند صدق می کنند لیکه در موردا کفر و شنگران و تمام مقامات مرتبه ایرانی که اسالیان در از بعنوان و کیل و وزیر و مدد پیر کل و معاون و مشاور و موروا ستاد نشگاه و هنرمند و موسیقیدان و غیره و غیره مادر امور بودند نیز صدق می کند. اینسان همیشه زمیناً می رفیع با بلکه ای نیمه خفته و نگاهی مورب به قشرهای محروم اجتماع می نگریستند آنها زبان مردم را فهمیدند و مردم زبان آنها ایرانی همیشان شر و تمندی علاقه‌بآب و خاک ایرانیان شر و تمندی علاقه‌بآب و خاک آزادا ب ورسوم ایرانی خبر و روابط از زندگی قشرهای مردمی و روابط ای معاشر بودند و در معاشرت های مهمنهای طبقات مرتفع و مادا حب مقام چیزی که هرگز مطرح نبوده زندگی کرد و لر و بلوج و گنبدی و غیره بوده است.

انگلیسی ها را خیلی بهتری را انتخاب کرده‌اند: (مطمئن بدانید خیالات بی‌سما رکوندهایی جان نا پیشوی نیست) تاریخ ادبیات ایران نوشتہ پروفسور دواردیرون انگلیسی را بخاطر طردا رید در مقدمه تجویری از جناب پروفسور در لیکه ایشان ایران و در بین عشا ایران چا شده و مسلماً آقای پروفسور عاشق چشم ابروی عشا ایران نسبوده اند و بیهای نه نوشتند تاریخ ادبیات منقول کا ویدن افکار مورد بوده اند...

بِالْأَنْجَافِ بِإِشْتِيمٍ

فا سدوا زهم گسیخته بخوا نیم و تلویحا
نتیجه بگیریم که این نتاظم خوب دخود
محکوم بنا بودی بود. زیرا اگر با همین
نظر مبتدا ریخته مکشورهای
جهان چددگذشته و چدرحال نظر
بیفکنیم خوا هیم دیده بدون استشان
هیج رژیم و هیج حکومتی فارغ زفع ها،
کمبودها، ناراشائی ها و شتباهات
نبوده و نیست و منصفا نه بگوئیم هر
ملت دیگری هم اگر در مسیر جنگی
توطئه ای قرار می گرفت درز پر رکبار
پی امان تبلیغات جهانی برای اغراق
هر چه بیشتر در رضا بشی خطف ها و تراویح ها،
شایده همان کاری را می کرد که ملت مسا
کرد (اگرچه می باید هوشیار شر را ز
این می بود و متاء سفا نهند بود).
کوتاه سخن اینکه راه اما این نبود. راه
مالصلاح رژیم گذشته بودونه تستیم
کشورمان بکام میک فاجعه جبران نا پذیر.
آقای بهزاد عزیز این نظرمن شما در
تشريح روحيه سران ارشت در آن روزها
(که برای اجتناب از هرگونه شناخته
با یادگیریم شخما کوچکترین آشنا یسی
شخصی با هیچ کدام آنها نداشتند) نه
تنها راه غرق رفتند یادگیری حتمی از
واقع بینی بدور افتاده اید.
پرسش های بسیار رپرت و پلای آنها - از
دیدشما - از رابر تها یزرا زقبیل
اینکه: "چرا امریکای کبرخیمنی را
خا موش نمی کند" واقعیت بسیار بسیار
تلخی را اشنا می دهد. این درست است
که هیج حکومت و هیج ملتی نبا پدآنجه
پس از سه سال که درخوا ریج از کشور بری
می برمودرا این مدت متاء سفا نهند لایل
زیا فقط یکبار نشریه نهضت مقاومت
می بدمست رسیده بود چندروز پیش نشریه
"قیام ایران" مورخ ۴ دسامبر ۸۶ برای
دو مین با ردرطی این مدت بدمست رسیدو
با اشتباق، بخواندن پرداختم و در کمال
شلاء سف متوجه نهضت شدم که شا پیدحتی تغییر لحن و شا پیدحتی تغییر
موقع نهضت شدم که شا پیدحتی کسانی که
بطور مرتب این نشریه را خوانده اند این
نکته چندان چشمکیر نباشد. وا این بخصوص
دو شوشه شما: "در حاشیه کتاب را برست
ها یزز"، "ما موریت در تهران" بوضوح
بیشتری بچشم می خورد تا آنجا که مرا این
آن داشت بعنوان یک مدمیهن که در این
دوره طوفانی از زن ریج ایران دست کم
از رئیس عقیدتی همکام شما هستمنا مهای
خدمتمنان نگاشته و جسا رتا "بخوا هم در
صورت امکان آنرا در شماره های آینده"
قیام ایران بعنوان یک نامه سوگا شاده
بچاپ رسانند. همه ما میدانیم و نیز
دنیا می دانند که آنجه که در سال ۷۹ در ایران
اشغال افتاد و شما هنوز خوشبختانه از
آن بعنوان "فاجعه ۷۹" نام می بردید،
بخواست امریکا، با دخالت مستقیم
آمریکا و شخص کارتر نجا مگرفت.
بعنوان یک ایرانی که مدمیهن شرد دوست
دا رددور نستیج باید، وظیفه دار دکه
بدون تعصب و دورا زا حساسات شخص داوی
کند، بسیار دورا زا نتایف است اگر تما
نمایم پیش از "انقلاب" را پوسیده،

مهندس رضوی چنین می گوید: "تجزیه و تحلیل های مهندس رضوی واقعاً کیرا و جا لب بود... سرتیپ آزموده منتهای هنر اکی را نسبت به شخص مهندس رضوی محصول داشت و رئیسی دادگاه بیمه مهندس رضوی اجازه نداشت کدکیها و همچنان های آزموده پاسخ دهد. مهندس رضوی هنگام خروج از دادگاه با صدای بلندگفت تاریخ ایران جواب ایمان را خواهد داد."

رائی دادگاه

روز ۲۹ آذر ۱۳۴۲ در پایان سی و پنجمین جلسه دادرسی روز بعد از شروع با زیرسی) رئیس دادگاه هناظا می عادی ختم دادرسی را اعلام کرد و گفت دادرسان وارد شور می سوند و قبل از لازم است نامهای که از زوار دربار پسیده است قرار گشت شود، ضمناً نامهای بدینجای زیربود:

ریاست دادگاه هناظا می بفرموده ای عليحضرت هما یون شا هنثا به پیاس خدمات آقای دکتر محمد مصدق در رسال اول تخت وزیر خود را مرطی نمودن صنعت نفت که خواسته عموم ملت ایران است موورده تائید و شنبایشی ذات ملوکانه بوده و می باشد آنچه نسبت به معظم لجه کذب است حرف نظر فرموده اند و زیردربار حسین علا.

رئیس دادگاه می از قرار است نامهای موزرا را در پارک فرموده اند در این موقع دکتر مصدق در حالی که از جای خود بدلند شده بود خطاب به ریاست دادگاه اظهرا و داشت من نه خیانتی به شاه کرده ام و نه خیانتی به مملکت احتجاج به عفو آنچه عدا لات حکم کنم کنندگا باید طبق آن با در نظر گرفتن خدا و خداوندان دهد.

دادگاه می از شرح موارد تها منسوبت به هردو مذهب چنین نتیجه گرفت که متهم ردیف یک (دکتر مصدق) مرتکب اعمالی شده است که موجب هنگ حیثیت مقا مش مخاطب بوده است ... پائین آوردن مجسمه شاه فقید فرود آوردن مجسمه های ای عليحضرت هما یون شا هنثا هی و شکستن آنها، حذف نام مشاهده ای مدعای صحیگا و شا مگاه سربازان، خلع سلاح گار ردا هنثا هی و توقيفا موال سلطنتی به وسیله مهر موم کردن و خلع ید زامنا و متدمیان از اظهرا را اهانت آمیز در میتینگ و دروس مقاله روزنامه های منتسب به دستگاه متهمنین و انتشار آنها از رادیوی دولتی که همه این اعمال به منظور تحریک مردم بهدف دستی بقدرت سلطنت مشروطه و قیام بر علیه بیان داشته کشور بوده است کما ملا دلیل بررسی قصدا رتکابی متهم می باشد ... اعمال منسوبه ای که مورد اعتماد اتفاقاً نتوانسته می باشد ... اعمالی که معرفت دادگاه قرار گرفته در عرف و قبول متعهین در محضر دادگاه قرار داده اند لذا دفاع آنها هیچ قرینه ای بر حسن نیت و خیر خواهی و قصد خدمت در آن محسوس نیست و چون متهمنین نتوانسته ندمدارک و استاد ولد لایلی بر حسن نیت خود را برازدا رند لذا دفاع آنها ببر عدم سوء نیت در نظر دادگاه بذیرفتند بوده و قابل اعتنانی می باشد ... آنچه در مجموع تحقیقات و اسناد موجود در پرونده معلوم شود بینست که متهم ردیف یک پس از اطلاع از فرمان عنزل به فکر مقا بله و مقاومت و سلطه بر امور کشور افتاده است و بدین منظور در مدد قیام و اقدامی برآمده تا طرحی را بوجود آورد که اساس حکومت را بهم زند.

" در مردم متمه ردیف یک دکتر محمد مصدق علی وجهات مخفی موجود است که در نظریه داگا هم موء شروع موجب تخفیف کیفرنا مبرده می باشد و آن اهمیت و اعشار خدمات و سایر مقصوده می باشد و بقیه متمه ردیف یک دکتر محمد مصدق در تبیعت از افکار عمومی ملت ایران به پیروی ازا و امر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بوده است. متمه ردیف یک گذشته از زندان شدن سایر مقصوده مکوبیت کیفری و کیرسین مدتی از زندگی و دوران خدمت خود را در خدمت به کشور و اجرای منویات شاهنشاه برای حفظ منافع و حقوق ملت ایران معروف داشته و در این راه تحمل مشقات و زحماتی نموده که موردنایید و تشویق و پیشتبانی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی قرار گرفته برای تحکیم مبانی عدالت و رعایت نصفت باید خدمات و لغزش افراد در ترازوی قضاوت مورد مستجن فرازگیرد و حساب هر قسم از اعمال افراد خاصه خدمتگزاران کشور مستقیماً مورد رسیدگی و توجه واقع شود. بهمین منظمه اعلیحضرت همایون شاهنشاه ازانحراف و لغزش متمه ردیف یک شخص عین فرموده و به کرامت عالیه خود را حلقه خصوصی صرف نظر و در موارد عدیده رعایت سوابق و ملاحظه جهات اخلاقی را توصیه فرموده اند داد دگاه با توجه به اوضاع و احوال خاصه متمه جهات مذکوره را در تخفیف مجاوزات دکتر محمد مصدق موثر دیده و به اجازه ماده ۴۱۳ قانون دادرسی و کیفر ارشت و رعایت ماده ۴۴ قانون مجاوزات عمومی توجه به ماده ۴۶ مجاوزات عمومی به لحاظ تجاوز و زسن عمر متمه نشست سال نامبرده را به سراسل حبس مجرم محکوم می نماید.

دریف دوچون درنظردا دگا مسلم نیست
که اوا زمدور فرمان عزل اطلاع داشتند و همچنین
مسلم نیست نامبرده به قصد برهمن زدن اساس حکومت
اقدا می نموده با شدجوون تحت تاء شیرقدرت متهم ردیف
یک و ضفت روحي خود مرتكب اعمالی شده که تکالیف
نظم می وقراات و آئین نامه هارا غونموده و اعمال
منتسبه اوبین نظردا دگاه مشمول ماده ۳۵ قانون
دادرسی و کیفری رتش بوده طبق بند ب ماده نامبرده
به دو سال حبس تاء دیسی محکوم می شود که طبق ماده ۹۸^۴
قانون دادرسی و کیفری رتش مستلزم اخراج از خدمت
ارتش خواهد بود و این راء در مورد هردو متهم مقابله
تجددید نظر است .
دکتر مصدق هنگام مصایح حکم دادگاه تقاضا تجدیدنظر
نمودوا بن جمله را درذیل آن نوشت :



مکالمہ

ونهضت ملی ایران

دكتور مصدق، محارب ناخدادا!

کنند و چنین بیا نا تی بفرما یندحقو این بودکه تا ساعته که کارما در زندان تمام شده زیک دیگر طرفداری کنیم و قدرایا می یا که با هم کار کرده ایم بدانیم این گله است بنده طبیعت و چهار رمین جلسه مهندس رجی وزیر مشاورد را موردنیست نیز اظهار اوتی مبنی بر عدم موافقت با دکتر صنعتی خودکه قسمتی از آثارنا نقل می کنیم: مصدق خودکه قسمتی از آثارنا نقل می کنیم: " جریان پائین آوردن مجسمه های سپاه اعتصاب سف بنده ندیخصوصی مجسمه اعلیحضرت فقید که شخصی بودکه بنده و مثال بنده را به خارج کشور فرستاده بسود و ما تحصیل کرده بودیم خود بینهایتی باشد فرمات مسلمان " اعتراض می کرد مولی و قایع با سرعت عجیبی تمام شدیه اصطلاح کلک بقدرتی زودکه شدکه فرماتی بروای اعتراض باقی نماند ... بنده بطور کلی یا بد به عرض ریاست محترم بر سارانم که دلخوشی زیاد به کار کردن در آن دستگاه نداشتم و بارهم استغفار کردم علت هم این بودکه برای بنده کار کردن در آن دستگاه ام سر تحلیل و برخلاف میل باطنی بود و بیهی وجه تمايل به کار کردن برای این دولت را نداشت و لی با علاقه زیادی که جناب آقای دکتر مصدق به کار کردن فنی اینجا نسبت در آن دستگاه داشتندگا شنوندکه من جروم ولی روزی که فهمیدم دیگر روز زیر نیستم و جدا نا " خیلی خوشحال شدم . " سرهنگ بزرگمهر رکتاب محاکمه دکتر مصدق در بسیاره اظهار اوت مهندس رجی چنین می گوید : " گفته های مهندس رجی در بیان ذیرسی به مذاق دستگاه به اصطلاح قضا شی مربوط به حاکمیه دکتر مصدق خوش آمدید بیود و عددده داده بودند که در صورتی که گفته های خود را در دادگاه هم تکرار کنند آزادش خواهند کردند ... بین همه شهود و بدها اصطلاح مطلعین مهندس رجی تنها کسی بیود که چنان گفت . بقیه هنکارا مادا ای شهادت به آقای دکتر مصدق سلام و تعظیم کردند و در اظهار اوت خود را زدکتر محمد مصدق سنهای بیت تجلیل را شنودند . "

بین کو هان دوکتری می خواست و سه می تمام در پسیبیت کی از دکتر مصدق سخن گفتند. دکتر شایگان در جلسه بیست و نهم چنین گفت: «اینکه فرمودید بندنه مشا و رجنا با آقای دکتر مصدق بوده ام ... بندنه مفتخرم که طرف شورجنای آقای دکتر مصدق یا نی و پیشوای نهضت ملی ایران بوده ام و در پیش از مسئله مملکتی بخصوص موضوع نفت از ابتدا ملی شدن نفت ... مشا و رایشان بوده ام ... در پیشگاه منحکمه عرض می کنم که هر کجا هما مشورت من نتیجه سوئی عا یاد مملکت شده با شدحا غرم آن مسئولیت را به گردان پسیم ». دکتر شایگان به دنبال این عبارت چون رشته سخن را گم کرده بود مذکور خواست و گفت: «چنان پرشدغای سینه از دوست ... که فکر خوبی گم شدآ غصیم ». بین اطهار است گواهان از همه متبین تروپر محکم ترا ظهرا وات مهندس از دوست گفته بود که قدرت ملی از آن را نقل می کنیم: «آقای دکتر محمد مصدق یک پیشوای سیاسی ویک پدر روحانی بود و بینه به اتفاق جندغزار فرقا در طراف ایشان جمع شده بودیم. این اجتماع هم بهیج و جذشم اور نیست بلکه موجب افتخار است و من برای این اجتماع خدمت به وطن عزیزا فتحا رومبا هات می کنم ... راجع به فراکسیون نهضت ملی اطهار و می فرمودند مثل اینکه عضویت یا ریاست این فراکسیون برای بینه نه ... بوده است و حال آنکه فراکسیون نهضت ملی از پیشترین دستیجات ملی پارلمان ایران در چهل سال مشروطیت ایران بود و دور عمر مجلس چنین فراکسیونی با این اتحاد و حقیقت و صمیمیت دوره جمع شده بودند ... در قاعده عمل نهضت ملی جمع کردن اصلاح طلبان ایران است که می خواهند مملکت اصلاح شود ولی مقید هستند قوییست ایرانی واستقلال کشور محفوظ بینندگان نمی کنند هیچ ایده ای برای ایرانی از آنجه منظور نهضت ملی بوده است یا لاتر باشد ... ما در زندگانی سیاسی خودمان فقط یک جنایت کرده ایم و آن جنایت خیانت است این بسود که بنا شرکت غاصب نفت جنوب مردومندانه مبارا روزه کردیم. شما آقا یا نیدکه سیاست نفت در تام دنیا با خون مخلوط بوده است آن فرزندان ایرانی که در روز ۴۸ مردا دبه زمین افتادند از هر دسته و طرف برای من فرق نمی کند فدا ایین سیاست شدند آنها هم که در روز ۲۵ تیر هدف گلوله قرار گرفته وا زین فرستند آنها هم فدائی من تنها معاحبان سیاه شرکت ساق نفت شدند. » بین هنگی بر، یکمین دست کتاب محاکمه داده اعظم ای انت

دربررسی جریان دادرسی بهدونوع استشها دیرمی خوریم یکی استندا غیرمعقول دادستان بهگواهی شهود ناخوانده ونا شناس یعنی کسانی که بنا به قانون او نامهای یا امضا وی اضافی دارند مذمت اعمال دکتر مصدق بده ونشوته بودند و یگردارای شهادت به رسم معمول دادگاهی از طرف همکاران دکتر مصدق که به عنوان گواه مطلع به دادگاه اخفا رشدند.

ظرف روزگفتار و روزگفتار رواستلال سرتیپ آزموده درسرا سر جریان با زیرسی و دادرسی بطور آشکار رشنا می داد که نقش اونتش یک دادستان بمعنی متعارف کلمه یعنی "خواستار جراحت عدالت بهنام ماجه" نبود بلکه بیشتر نقش دشمن خصوصی ساخت و کینه تزویز بود که برای ابراز خصوصیت همراه با قدررسیدن به هدف های شخصی هرگونه وسیله ای به کار می برد و بین شایسته ونا شایسته فرق نمی گذاشت و بطوری که قبلاً "شرح داده شدحتی از ناسزاگوئی عالمانه و اداری کلمات ریک در حق متهمان خودداری نمی کرد. یک ویژگی طرزکارا و استثنای ناشیانه به یک سلسه نامهای خصوصی بود که می گفت با هر پست به ما و می رسدو و را درا جراحت وظیفه اش" ارشاد و هدایت" می کندا وطی جلسات متعدد درسی (بخصوص جلسات ۱۲، ۱۵، ۲۱، ۱۶، ۲۷ و ۳۳) وصول متجها و ز از پنجاه نامه ای زین قبیل را به دادگاه اعلام آغازه ای زینت بخش پرونده دادرسی نموده. مضمون این نامهای وهمچنین نام نویسنده کان آنها بهترین محاسرا را روش آنها بود. طی دوازده همین جلسه سرتیپ آزموده ای از اراده داده و فقره ای زین نامهای مضمون یکی را بخصوص نقل کرد و گفت آقای محمدعلی نویسنده نامه در باره من می گوید: "بنده به شخوی انجام وظیفه می کنم که قلوب مجروح زجر دیدگان را انتیام می بخشم" طی پانزده همین جلسه نیز دادگاه را مطلع نموده رحمن زاده نامی بطور غیر مستقیم دکتر مصدق را مخاطب قرار داده و گفته است: "لطف حق با شومدا را ها کند چونکه از حمد بگذر درسوا کند". و اضافه کرده شخصی از قزوین نامه مشروحی فرستاد و دکتر مصدق را بمناسبتی علاقگی به اساس سلطنت مشمول حکم آیه‌ای از قران قرآن داده است که می گوید هر کس با خدا بجنگد باید بده را ویخته و دست راست و پایی چیزی با بلعکس قطع شود. سرتیپ آزموده علاوه بر قرائت نامهای وارد شرحی هم در تمجید از آنها و تفسیر آنها می گفت یک باره به این نکته تکیه کرد که: "هیچ نامه ای که حاکی از انتقاد از بیانات اینجا نبایانه بدهای دکتر مصدق باشد نرسیده است" سرانجام آقای دادستان از مضا مین بسی سروته و نامه برویت نامهای واصله و به قول سرهنگ بزرگمهر از اینجا آنها می گفتند که این ساخته قلمکار شوروی ساخت که رئیس دادگاه را خسته کرد و قدر جلسه ای و سوم نامه ای قرائت کرد که مربوط به کرا به آسیابی از دکتر مصدق بود رئیس دادگاه گفت: "این که مربوط به کارما نیست... بعد از این عین نامه را به دادگاه بدهید تا تفصیل زیادی در باره آن نشود و وقت دادگاه را ضایع نکند." آنگاه سرتیپ آزموده حریه تهدید را به کاربرد و گفت: "استدعا می کنم اوا مردان را صریحاً بغير مأثید تا در صورت مجلس قید شود بنده هم بعده این نامه را که به من رسیده به استندا دستور جناب عالی برای ماجه آن پس خواهیم فرستاد." این تهدید کارگرا واقع شد چون رئیس دادگاه فوراً عقب نشینی کرد و گفت پس نفرستید اتفاقات کنید در پرونده ضبط خواهد شد.

حصار شهود به دادگاه

دا دگا هچهار وده تغرا زهمکاران عمهه دکتر مصدق و ماموران
انتظار می راه بعثتوان گواه و مطلع برای ادادی شهادت
وروشن کردن ذهن دادگاه احضا کرد. هفت نفر از وزیران
و سه نفر از نمایندگان مستعفی مجلس دوره هفدهم بین
احضا رسیدگان بودند. جریان پرسش از گواهان طی نه جلسه
(بیست و دوم تاسی ام) انجام شد. سئوال رئیس دادگاه
از یکی که شهود ناظر برگشتبه از طلاق درباره جزئیات
وقایع روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد دبود. دراولین جلسه
احضا رسیدگان بیسیوطی داد پرسش از گواهان در دیباخ نمود
انتظار شنیدن چه توضیحاتی از گواهان داد رسیده بیان نمود
و گفت آنها با بد نسبت به مساله زیر آنچه می دانند
بگویند: موضوع فرمان عزل، انحلال مجلس، تشکیل
شورای لیستنی، تشکیل جلسه فوق العاده هیئت وزیران
صحب ۲۵ مرداد، صدور علامه دولت، با زدایش
تعدادی اقدام انتظامی و غیرانتظامی، تولید اضطراب و وحشت
در مردم، تشکیل میتبینگ و نظرها را که منجر به پائیزین
آوردن مجسمه ها گردید.
دادستان می دانست که ظهرا رات شهود چیزی به آنچه در
نتیجه بازجویی از متمهای معلوم شده بودا خانه خواهد
کرد. انتظار را واین بود که بعضی از شهود خواه از ترس خواه
با مید تحقیق بجا زات یا تبره، علیه دکتر مصدق و
حکومت و سخن گویند منتظر دادستان تا این حد مصل
شده ببعضی از گواهان از موضوع فرمانهای عزل و نصب
و مധابره تکرار اف سفر از ظهرا از طلاقی و ازادای
عبارات اهانت آمیز و در نظر هر آن و فرو ریختن مجسمه ها
اظهار از نزد و نمودند و نظر را زانها یعنی لطفی و مهندس
رجی به شیوه ای که سرتیپ آزموده انتظار داشت محبت
گردند. چند جمله از گفته های لطفی را نقل می کنیم:
" با روش اخلاقی ایشان (دکتر مصدق) جور نبودم ...
فوق العاده سوء ظنی عصباتی و بی گذشت هستند ...
جیک و بیکشان با دکتر فاطمی بود ... مکرر زیاده از حمد
توهیناتی کردن دکتر که من خون جکر خوردم و این اهانت ها
یک دفعه مددود قدر سه دفعه نبود ... از سیاست های خارج از
هیئت دولت بی خبر بودم ... هر بار استغفار کردم بنها
گردند بیهودگی کردن و عذرخواستند ".
دکتر مصدق از این اظهارات لطفی دلتنگ شد و گفت:
" خود ایشان اظهاراتی که رفوبودند را زیشان معدتر طلبیدم
بنها چنان شدند که ای ای دکتر مصدق افتاده بینظیر و فتا

به درآمد های نفتی افزایش نشان می دهد، تبا یید موجب این با ورشودگی سایر درآمدها (یعنی درآمدهای غیرنفتی) افزایش یا فته، بلکه فقط ارزش درصدی سایر درآمدها را افزایش ظاهری برخوردار بوده است.

محسن نوربخش، به عبا رت دیگر، دو سه
روز پیش از آن که دولت میسر حسین
موسوی لایحه بودجه خود را به مجلس
برد، می خواهد بکویدا گردد بودجه ۶۶
هم افزایشی در درآمد های غیرنفتی
آوردند. که آورده بدانند فقط ارقام
وا عدا در رقصانه اند تا ظاهرا "نشان
دهند که جمهوری اسلامی به سوی هدف
علام شده است" قطعاً خود. کاهش و ایستگی
به نفت و افزایش تکیه بر درآمد های غیر
نفتی - حرکت می کند، حال آنکه این
حرکت فقط ظاهری، در واقع دروغ است
ورژیم همچنان بر درآمد نفت به عنوان
یکان محصول مسلط بر تما می اقتضاد
کشور بودجه دولت متکی است.
این ها حقاً یقین نیستند که دولت میسر
حسین موسوی بتوا ندبای لایحه بودجه
خود پرده بر آنها افکند. وقتی ملت فقر
خود را هر روز بیشتر از روز پیش احساس
می کند و کمرش بیشتر از روز پیش زیسر
فشا را اقتضا دی خم می شود، رقصان اعداد
بودجه دولت خیمه شب با زی مسخره ای
بیش نیست.

هزارتن پنیر خریده شده و "مقدار زیادی کره" کد رقم دقیق آن مشخص نگردیده، درواه است.

درحالی که نخست وزیر اسلامی، بارگاهاند
اعداد، یعنی درصدها را به جای ارقام
مطلق نهادن، و رقام مطلق را به جای
درصدها بکار بردن، می خواهد چنین
و آن مودودی کند که کشاورزی کشور از رو
قا بدل ملاحظه ای برخوردار ببوده است،
رئیس مرکز تهیه و توزیع مواد غذائی،
با ارقام و آمار رنشان می دهد که در سال
۱۳۶۵ کشاورزی کشور هنوزوا بستره از
سال ۱۳۶۴ بوده است، و چون دولت همان
دولت بی کفا بیت و درآمد منتفت همان جور
در حال نوسان است و جنگ همچنان
بخش بزرگ درآمد روزی و غیر اداری کشور
را می بلند، سال ۱۳۶۶ - به فرض اینکه
رژیم بر جای بماند به هیچ روشی بهتر
از اسلامی پیش نخواهد بود.

اگر دولت میرحسین موسوی می‌تواند به
گفته، ما ایران بگیرد که از موضع خود
انقلاب اسلامی و ضد رژیم تهران را بسیار
حرفها را می‌زنیم، مسلمان "چنین ایران دی
در رباره" محسن نوربخش رئیس پیشیگیری
بانک مرکزی خود رژیم پذیرفتی نیست.
وی، در مقاله‌ای اقتضا دی در روزنامه
مصطفای دار شده کیهان (۴ دی ۱۳۶۵) می‌
نویسد: "آنچه مسلمان است، هفت همچنان
به عنوان یک بخش مسلط اقتضا دی در ارقام
در آزادبودجه نقش مهمی دارد و دخواه است
داشت. اگر در سالهای ۶۴ و ۶۵ در بودجه
ملکت در صدر امدادهای غیر منتظری نسبت

چشم ورورا بگیرید و بگوئید فعالیت
عمرانی افت کرده، لایدجووا بخواهد
داده، آری، اما نه شدید، بگوئید چهار
میلیون بیکار دریک کشور چهل و اندری
میلیونی یعنی ۱۵ درصد بیکار ربه نسبت
کل جمعیت و نزدیک ۴۰ درصد بیکار ربه
نسبت جمعیت شا غل کشور، احتمالاً
قبول می‌کند، ولی در این باره با شما
اختلاف خواهد داشت که بیکاری در چنین
سطحی را هم‌شمری توان گسترش قلمداد
کرد، اگر بگوئید مردم بیش از یک سال
است که از کره و پنیر محروم‌اند، باز هم
پاسخ خواهد داد، آری ولی این کمبود را
شاید نتوان قابل ملاحظه نا مید.
در خور توجه است در همان شماره، روزنامه
کیهان چاپ تهران که گزارش بودجه
نخست وزیر اسلامی چاپ شده، از قسّول
رئیس "مرکز تهیه و توزیع مواد غذایی"
واسته به وزارت بازرگانی، آمده است
که در سال ۱۳۶۵ مقدار ۴۰۰ هزار تن برنج
از خارج خریده شده و چون محمول داخلي
کفاف نصرف سال را نداشت، ۲۰۰ هزار
تن دیگر نیز از خارج خریده خواهد شد.
به گفته رئیس همین مرکز، جمهوری اسلامی
۲۰ هزار تن گوشت علاوه بر سهمیه
معمولی از خارج خریده است و همچنین ۴۰

رقص اعداد در بودجه

بقيه از صفحه ۱

در این گزارش از جمله آمده است: "کاهش قیمت نفت با آن که فنا رقا بیل ملاحظه ای به اقتضا دکشور بودجه دولت وارد آورد، اما نتوانست هیچ تفسیری درا هدا فدولت بوجود آورد. اگرچه در آمد دولت به میزان قابل ملاحظه ای کم شد، ولی فعالیتهای عمرانی دچار رکود شدید گردید، بیکاری دامنه گسترده ای نیافت، تیازمندیهای عمومی با کمبودهای بسیار روبرو نشد. عادت نخست وزیر اسلامی این است که هرچه بیشتر شیوه ای می کند و دروغ می گوید، قیافه ای به همان اندازه حق بجا نهایی گیرد. او زبده ترین نوع دروغ گویان است زیرا، دروغ خود را در ذیولعابی از سخنان راست نماینده های می کند، رکود فعالیتهای عمرانی را از این راه نکاری می کندکه می گوید این رکود شدید نبوده است، بر پریده دهه هولناک بیکاری چند میلیونی از این راه پرده می افکند که می گوید بیکاری دامنه گسترده نداشتند، کمبود آشکارا زمینه ای همگانی را بدین ترتیب کوچک جلوه می دهد که می گوید این کمبودقا بیل ملاحظه نبوده است. بدین ترتیب اگر آستین این مردمی

باقیه از صفحه ۳

توانسته اند نفوذپیدا کنند و تحلیل های
تندردا نه خودرا در پوش "سلام متر قیانه"
به مسئولین مقا مات رژیم را شده هند .
بهر صورت این تحلیل ها خواهان فراوان
داشت ، چرا که جامعه هنوز زیرتاء شیر
تبليغات چپ بود و خود رژیم آگاهانه
از این فضای تحریک شده استفاده میکرد و
بعضاً "خودا" ز طریق شعارهای چپ روانه
آشرا بیشتر تحریک | مینمودا. گفته میشود
بسیاری از نشریات ، خبرنامه ها و
بولتن ها ، بخصوص آنها یی که برای
مقامات سطح بالا فرستاده میشود توسط
گروههای چپ تهیه میشود . از جمله خبرنامه
وزارت ارشاد را میتوان نا مبرد که توسط
دولت از عناصر صرچسبانی گهسا بقه کار در
روزنامه "آیندگان" دارند ، به نامهای
نورا یی و م. قالد ، تهیه میشود ، و
اختصاراً به تحلیل نشریات خارج ازشور
دارد . حتی در میان این نشریات ،
نشریه هایی دیده میشود که برای طلاب
جوان چاپ و نشر میشود و در آنها
تحلیل های ما رکسیستی زیرلوای حکام
اسلامی صورت می پذیرد . چنین برو خودهای
با مطلع "اللت قادر" بود که مخالفین را
واداشت تا به آنها تهمت بزندگه برسر
ما رکس عما مهفا هتی می بندند . گفته
میشود اما لنظر این گروه در تلویزیون
ورا دیوتوسط شخصی به نام محمد حسین
جعفرزاده نجا میشکدها کنون متهم به
مشارکت در قتل شمس آبادی است .
ظاهراً نفوذ این گروه بیش از همه جا در
حوزه های قم بوده است . چند مدرسه مذهبی
قم ، نظیر مدرسه های رسول اکرم ، امام محمد

چھ کسی سپیل گربہ را تراشید؟

ها شمی رفستجا نی درمساء لهسفـر
مخفیا نه مک فا رلین به تهران وارعا ب
نمایندگان مجلس، نمایشگر آنست که
ها شمی رفستجا نی اگر عالم و محرك از
هم پا شیدن گروه مهدی ها شمی نباشد،
دست کم سودبرنده این قضیه اوست و نه
خمینی. درواقع دخالت های هاشمی
رفستجا نی دراموری که با مقاومتی او
بعنوان رئیس مجلس ارتباط نداشت
درته ران به عنوان تخلی فا
از قانون اساسی تلقی میشود. بخار طر
پروریا ل دادن خمینی به او، و فراتر از
قانون اساسی عمل می کند. حتی ارسال
نما مهنشخت وزیرزاده پن بهنا ما و، و نه به
نما مناخت وزیر ایران، یک نوع نقض
پروتکل شناخته شده بین المللی تلقی
گشته است.

در هر حال، کا هش قدرت منتظری عملاء" به سودها شمی رفست جانی تما مشده است.

با قر، واما ماجعفر مادق، شدیداً "زیرنفوذ" عوا مل گروه مهدی ها شمی بوده است. با اینهمه تفکیک نقطه نظرهای مهدی‌ها شمی از دیدگاه‌های بسیاری از مسئولیت و مقامات رژیم تقریباً "مکان ناپذیر" است. فراموش نمی‌کنیم که چند ما پیش منتظری طی نطقی دروس سنتی مدارس دینی را کافی ندانست و برای آگاهی طلاب جوان از مسائل نظرسنجی علم‌دانش که تجدیدنظرها بی درمود آموخته‌شده از درسی صورت پذیرد. چنین مواضعی که میتوانند تشكیلات نظام سنتی حوزه‌های دینی را از هم بیاورد، اسباب تاخوشا یتدی روحانیون استخوان‌دا رو محفوظه کارش. طبیعی است که مهدی‌ها شمی بدون برخورداری از یک جو مصنوعی تندری که ساخته و پرداخته خود مسئولیت و مقامات حرف رژیم است و به قصد بیهوده بردازی سیاسی یجاد شده، نمی‌توانسته مقام مدحود را پیش ببرد. واگر اقدامات خود سرانه منظری - مهدی‌ها شمی برای افشاء سفر پنهانی مکفارلین و رکوردن خبر آن به نشریه "الشرع" با عث و حشت مقامات اجرایی رژیم شده باشد، میتوان این فرض را واردانست که برخی از مقامات کوشیده با شدت قدرت نا محدود منظری را مها رکنند. موقعیت یگانه‌ی که خمینی برای هاشمی رفسنجانی فراهم کرده و پشتیبانی بی‌قید و شرط اواز به پیش‌نحوت این تحلیل‌ها خواهان فراوان داشت، چرا که جامعه هنوز زیرتاء شیر تبلیغات چپ بود و خود رژیم آگاهانه آزادین فضای تحریک شده استفاده چپ روانه بعضاً خوداً زطريق شعارهای چپ روانه آنرا بیشتر تحریک | می‌نمود. گفته می‌شود بسیاری از نشیریات، خبرنامه‌ها و بولتن‌ها، بخصوص آنها بی که برای مقامات سطح بالا فرستاده می‌شود توسط گروههای چپ تهیه می‌شود. از جمله خبرنامه وزارت ارشاد را میتوان نامبرده که توسط دونت از عناصر مرجع سابق گهسا به کار در روزنامه "آینده‌گان" دارند، به نامهای نورا بی، و. م. قائد، تهیه می‌شود، و اختصاراً به تحلیل نشیریات خارج ایشور دارد. حتی در میان این نشیریات، نشیریه‌ها بی دیده می‌شود که برای طلاب جوان چاپ و نشر می‌شود و در آنها تحلیل‌های مارکسیستی زیرنویس ای حکام اسلامی صورت می‌پذیرد. چنین برخوردهای با مطلع "اللتقا طی" بود که مخالفین را واداشت تا به آنها تهمت بزندگه برسر مارکس عما مفقاً هتی می‌بندند. گفته می‌شود اعمال نظریاً در تلویزیون و رادیو توسط شخصی به نام محمد حسین جعفری زاده انجام می‌شود که اکنون متهم به مشا رکت در قتل شمس آبادی است. ظاهرها "نفوذ" این گروه بیش از همه جادر حوزه‌های قم بوده است. چند مردۀ مذهبی قم، نظیر مدرسه‌های رسول‌اکرم، امام محمد،

ترکیب و متعددان

سقیمه از صفحه ۱

با تحریک مذهبیون از آنها دعوت به شورش
علیه دولت کردۀ است .
رئیس جمهوری ترکیه، در پایان
سخنرانی خود، ضمن یادآوری سه بار
مداخله ارشت ترکیه در سالهای ۱۹۶۰-
۱۹۷۱ و ۱۹۸۰ برای حفظ دموکراسی،
هشدار داد : ملت شرکیه مفرکسانی را
که در انتدیشهای جادی چکوست
کمونیستی یا حکومتی براسان قوانین
مذهبی هستند متلاشی خواهد کرد .
خبرگزاری فرانسه - ۹ زانویه ۸۷

زنرال اورن با اشاره به تهدید های
اخیر مفتی آدانا که گفته بود غیر
مذهبیون به جهنم خواهند رفت، اظهار
داشت: اگرتر قرقی خواهی و دمکو را سی
به جهنم منتظری بیشود، من و تمیام
آنان تورکیست ها ی این حملت
حا ضریم به جهنم بر ویم.
لازم به داد آوریست که مفتی آدانا، که
ازا و سلب تبعیت ترکیه شده و در آلمان
در تبعید بسیاری بود، با ارسال
محفیانا نهوا رهای ویدشوبه ترکیه

می گویند آدم ملایم و مساله ملت جو، دیگری
می گوید من حا ضرم هر کس را شما قبول
داشتند با شیده حکم قرا ردهم و بطریق
حکمیت عمل کنیم، این را می گویند آدم
منطقی، نفر سوم می گوید من وکیل
می گیرم و کار را به حکم مه می کنم و لوا
ده سال طول بکشد، این را آدم سختگیر
می نانندند، با لآخره میرسد به چها رمی که
می گوید من حاضر بمه ملاحته نیستم
حکمیت را همنمی پذیرم، زیربا رحمکمه
وقا نون همنمی روم، یا با یاد آنچه را من
می گویم قبول کنید، یا اینکه هرسه
شما را می کشم و خاندرا هم آتش می زنم، به
این می گویند آدم خطرونا ک و پیدا است که
اگر چنین کسی با این روحیه و این طرز
فکر تصادفاً "به قدرت مطلقه رسید و کشوری
پهنا و روبه حدود پنجاه میلیون نفوس و
تسليحاً ت عظیم و درآمد سرشار و نفت بدستش
افتاده آتش ها خواهد سوزاند.
آیت الله خمینی همچوآدمی است و
واشنگتن تایمز "حق اور اخترناکترین
مردروی زمین تشخیص داده است.
منطقی اینست که انسان نسبت به
توانا بیها بی که حاصل می کنند
مسئولیت ها ئی نیز حسن کند، مثلًاً "پاسبانی
که قانون به اواجا زه حمل اسلحه داده
است لاجرم باید مسئولیت بیشتری در فرماندار
خود را شدند اشدا لا اگر بیا سب ان به خودش
اجازه داده زنقدر خود هر طور دلش خواست
استفاده کنند و بزورا سلاح مردم را بچا پد
یا بترسا ندد راحله برای هیچکس امنیت
نخواهد داشت.
آیت الله خمینی قدرتی به دستش افتاده
است که در استفاده از آن برای ایجاد
شرهیج محدودیتی نمی شناشد، یک کشور
پهنا و روبنچاه میلیون نفوس و درآمد
سرشار نفت و نیتروی مسلح به انسان را
تجهیزات جنگی را در اختیار دارد و کسی
هم بطور جدی مانع او نمی شود، پس
میتوانند شدشی را که ابتدا برای رسان و
سپس بر منطقه تحمیل کرد بتمام دنیا
بکشند، پس عنوان اخترناکترین مرد
جهان در حق اورواست.

زن سال و مرد خطرناک

محدودی کننده عواملی مثل واهمه از عرف و قانون و مذهب بدها بین قبیل اثرا دمیگویند آدم خطرناک. فرقه کنیدیکی مرده و خانه‌یی ازوبرجای مانده که برسر آن بین ورشا اختلاف است. یکی از ورشه‌یی گوید من برای هر نوع

با یا ن هرسال، ضمن مرور بروقتایع یک ساله، اشخاصی را بعنای وین مختلف به عنوان موفق ترین یا نا موفق ترین، بهترین یا بدترین، خوش طالع ترین یا بد طالع ترین اثرا دور شده‌ای مختلف معمولی می‌کنند. ازین جمله "واشنگتن



خطروناک شرین مردجهان برگزیده است .

نمایشگاه و سمینار حقوق بشر

ارتباط با نقش حقوق بشر در ایران، رساله شده بود پیرای مدعوین خواسته شد. سپس یکی از اعضاً کمیته احرازی و یکی از اعضاً وحدت‌های ترتیب در بیان نقش حقوق بشر و وضع زنان و نوجوانان در جمهوری اسلامی سخنرانی نمودند و با شرکت کنندگان در جلسه به بحث و گفتگو شنیدند و موضع نهضت مقاومت علی ایران را نسبت به رژیم حاکم برایران و سایر گروههای اپوزیسیون تشریح نمودند.

سخنرانان، نقش حقوق بشر در ایران، فروش اسلحه از سوی مالک صنعتی به دو کشور روسیه و چین و ادامه این جنگ خانما نسوزرا محکوم کردند و زدو تمردان و رهبران اعزام دموکرات‌جهان خواستند در رابطه خود را رژیم جمهوری اسلامی تجدید نظر نمایند.

بمنا سبت روزجها نی حقوق بشاعلامیه ای در با ره وضع حقوق بشر و نقض آن از سوی رژیم ملاها بوسیله کمیته اجرائی نهضت مقاومت ملی ایران - شاهزادهان تهیه و در بسیاری از شهرهای آلمان بوسیله هوا داده ای نهضت بین آلمانی ها پخش گردید. پخش اعلامیه در بسیاری از شهرها مانند، برلن غربی، کاسل و گوتینگن همراه با برگذاشت رسانی شکار عکس یودداست. واحد شهری نهضت در کل در تاریخ ۱۴ دسامبر سمتین ری در برابر نقض حقوق بشر در ایران برگذاشت و شمود. در این سمینار عکس های از جنا با ت رژیم بینما پیش گذاشتند. سمینار با سرود ایران آغاز گردید. آنگاه میباشد آقای دکترها نی اشتراکن رئیس کمیسیون خارجی پارلمان آلمان و رئیس جامعه بین المجالس و آقای دکتر کنکاک رئیس جامعه حقوقها نی حقوق بشر که بمنا سبت این سمینار در

باقیه از صفحه

امسال، به تشخیص هیا، تدا و ران مجله
تا یم، «دنیا مردسل» ندادشت و عووف مرد
سال، خانم کوری آکینو رئیس جمهوری و
به عبا رتی رهبر انقلاب فیلیپین بعنوان
«زن سال» انتخاب شد. خانم آکینو زن
نسپیتا "جوانی است که فقط برانش
تماد دف به میدان سیاست و درستیجه حراز
مقام ریاست جمهوری رسیده است. اگر
سنا تور آکینو" رهبر مخالفان حکومت
پیشین فیلیپین در پارلمان آن کشور
هنگام راجعت از خارج ترو شده بود،
حالا این خانم سرنوشت دیگری داشت
ولی بعداً ذکشته شدن سنا تور آکینو،
قرعه فال بنام "کوری آکینو" اما بست
کرد که در میدان مبارزه جای شوهرش را
بگیرد و فعالیت‌های اورادنیال کند و
با لآخره بعداً زسقط "فریدینا ندما رکوس"
به ریاست جمهوری انتخاب شود.
هنرخانم آکینو یینست که هر چند تجربه
چندانی در کار رسانی سنت ندادشت انقلاب
فیلیپین را با منتهاي متأثت و ظرافت
بطرف یک هدف مشتبه رهبری کرد. یعنی
عوض اینکه بعداً زسقط دیکتا توری،
انقلاب فیلیپین بصورت سیل و برانگری
در آیدوهمه چیزرا در هم بکوبد و ستیزه
جنگ و تفرقه و ششت و برادرکشی و ناامنی
به دنیال آورد، هدف انقلاب را بلا فاصله
پس از حذف دیکتا توری، استقرار دمکراسی
قرا رداد، عوض اینکه دسته مشخصی را به
عنوان میراث خوا را انقلاب روی کار
بیا و ردودست دیگران را زکارها کوته
کند، میدان را با زگذاشت تا گروههای
مختلف، حتی اطرافیان دیکتا تور سابق،
همکاری کنند و مبنای دموکراسی نوبای
فیلیپین را با کمک هم‌بسازند.

در فیلیپین، جنگهای چریکی از دوره زما مداری فردینا ندما رکوس جودداشت و زمینه‌های کافی فراهم بود که بعداز انقلاب، یک جنگ خونین خانگی اینکشور آسیا جنوب شرقی را نیز به سرنوشت ویتنام می‌بوجرفتا رکند. اما خانم کوری آکیتووا زگروههای مسلح، با مسلمانان، با مسیحیان، با کمونیست‌ها و همچنین دست راستی‌های طرفدار فردینا نند ما رکوس که هشوزبا زگشت اورا به قدرت آرزویی کنند، جدا جدا به مذاکره نشست و از همه آنها دعوت کرد مقدم بر هر مساله‌ی بنا استقلال و آزادی کشورشان بیندیشند و اختلافاتشان را در فضای دموکراسی از طریق حزب سندیکا، انتخابات، مطبوعات و پارلمان حل و فصل کنند. بخاطر چنین راهوروشی که خانم آکینو برگزیده و خالی از توقیق هم‌نبوده است، امسال او را بعنوان شخصیت بر جسته سال برگزیده‌اند. البته گروههای فراتری مخالف آکینو ازین گزینش خشمگین شده‌اند و بعنوان اظهار رخش، شماره‌های مجله "تایم" را در خیابان شهای مانیل آتش زده‌اند ولی رژیم آکینویه آنها هم‌جا زده است خشم خودشان را آزادا نهاده برآز کنند و همین خودش تا بیدی است بر حسن تشخیص دا ورا ن مجله‌تا یم‌درا نتخاب کوری آکینو بعنوان زن سال.

همان نظرور که مجله "تا یم" مرد سال یا زن سال انتخاب میکند بسیاری دیگر از مطبوعات مختلف بین المللی نیز در